

---

## **A Philosophical Approach to Research in Psychology**

*Masoud Azarbajani*; (Research Institute of Hawzah and University, Email: Mazarbayejani110@yahoo.com)

---

### **ARTICLE INFO**

---

#### **Article history**

**Received:** 17 October 2018

**Revised:** 3 February 2019

**Accepted:** 18 February 2019

**Published online:** 21 March 2019

#### **Key words:**

Philosophy of Psychology,  
Research in Psychology,  
Philosophical Explanation,  
Quantitative Method, Qualitative  
Method, Mix Method

### **ABSTRACT**

---

The subject of this article is the philosophical explanation of the stages and typology of research methodology in psychology. Our approach in this article is to analyze the qualitative content of psychology texts and sources and critically examine them with a philosophical rational approach. The findings of this study are presented in four sections: reporting, analysis, classification and criticism, some of which are: The steps of the research method can be divided into four categories: problem statement, research background, data collection, and analysis; Interpretation and evaluation of information. According to the three approaches of quantitative, qualitative and mix method in research, it can be said that the nature of quantity is one of the nine philosophical rejections of number, form and time of its kinds and is rooted in the positivist paradigm. Quality is also one of the disadvantages in qualitative research dealing with the three categories of tangible, emotional, and sensual qualities. The philosophical foundations of qualitative research are interpretive, communicative, reflective, and qualitative. Criticisms of interpretive and critical paradigms are also significant here. The mix method approach, although looking at two different paradigms, but focusing on the single issue, makes the complementarity of the two approaches in combination.

## نگاهی فلسفی به روش تحقیق در روانشناسی

مسعود آذربایجانی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، mazarbayejani110@yahoo.com)

### اطلاعات مقاله

دریافت: ۲۵ مهر ۹۷  
بازنگری: ۱۴ بهمن ۹۷  
پذیرش: ۲۹ بهمن ۹۷  
انتشار: ۱ فروردین ۹۸

### چکیده

موضوع این مقاله تبیین فلسفی مراحل و گونه‌شناسی روش تحقیق در روانشناسی است. روش ما در این نوشتار، تحلیل محتوای کیفی متون و منابع روانشناسی و بررسی انتقادی آنها با روش عقلی فلسفی است. یافته‌های این پژوهش در چهار بخش گزارش، تحلیل، طبقه‌بندی و نقد ارائه شده است که برخی از آنها عبارتند از: مراحل روش تحقیق را با حذف یا تلفیق برخی می‌توان در چهار عنوان قرار داد: بیان مسئله، پیشینه پژوهی، جمع‌آوری اطلاعات، و تحلیل و تفسیر و ارزیابی اطلاعات. با توجه به سه رویکرد کمی، کیفی و ترکیبی در پژوهش؛ می‌توان گفت: ماهیت کمی، یکی از اعراض نه‌گانه فلسفی است که عدد، شکل و زمان از اقسام آن است و ریشه در پارادایم اثبات‌گرایی دارد. کیفیت نیز یکی از اعراض است که در پژوهش‌های کیفی با سه دسته کیفیت‌های محسوس، استعدادی و نفسانی سروکار داریم. بنیان‌های فلسفی پژوهش کیفی در تفسیری بودن، ارتباطی بودن، انعکاسی و کیفی بودن است. نقدهای وارد بر پارادایم‌های تفسیری و انتقادی تا حدی در اینجا نیز قابل توجه است. روش ترکیبی هرچند ناظر به دو پارادایم متفاوت است، اما معطوف بودن به مسئله واحد، مکمل بودن این دو روش را در ترکیبی باعث می‌شود.

### واژگان کلیدی

فلسفه علم روانشناسی،  
روش تحقیق در  
روانشناسی، تبیین  
فلسفی، روش کمی،  
روش کیفی، روش  
ترکیبی

## مقدمه

اختصار صرفاً به مفهوم‌شناسی روش تحقیق، مراحل روش تحقیق، انواع روش تحقیق در روانشناسی و بررسی فلسفی آنها می‌پردازیم<sup>۱</sup>:

مفهوم‌شناسی و مراحل روش تحقیق<sup>۲</sup>

تکنیک‌هایی که برای گردآوری و تحلیل داده‌های مرتبط با تعدادی سؤال یا فرضیه تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرند، در واقع روش‌های تحقیق‌اند (کرورتی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸: ۲ به نقل از بلیکی<sup>۴</sup>، ۱۳۹۱: ۲۹). سارانتاکوس (۱۹۹۳) معتقد است روش‌های تحقیق در واقع همان ابزارهای گردآوری و تحلیل داده‌ها هستند. بنابر این در تحقیق علمی، همه ابزارها و تکنیک‌هایی را که محقق در مراحل گردآوری و تحلیل داده‌های تحقیق، در خدمت پاسخ به پرسش‌ها یا آزمون فرضیه‌ها قرار خواهد داد، روش‌های تحقیق هستند (همان).

جان دیویی (۱۳۶۹) می‌گوید: تحقیق عبارت است از فرایند جستجوی منظم برای مشخص کردن یک موقعیت نامعین. پس تحقیق فرایندی است که از طریق آن می‌توان در باره ناشناخته‌ها به جستجو پرداخت و نسبت به آنها شناخت لازم را کسب کرد. اما روش تحقیق قدری متفاوت است:

«روش تحقیق، چارچوب عملیات یا اقدامات جستجوگرانه برای تحقق هدف پژوهش، جهت آزمودن فرضیه یا پاسخ دادن به سؤال‌های تحقیق را فراهم می‌آورد. پژوهشگر می‌تواند از روش‌های مختلف تحقیق استفاده کند و به اکتشاف<sup>۵</sup>، توصیف<sup>۶</sup>

روانشناسی معاصر با قدمت بیش از یکصد و پنجاه ساله از دوران علمی و تجربی آن، امروزه گسترش و نفوذی فراگیر یافته و در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی قواعدی بسیار دارد. شاید بتوان گفت قوام علمی این یافته‌ها و قواعدی که در ساحت‌های گوناگون بالینی، اجتماعی، تربیتی، رشد، شناختی، یادگیری شخصیت و... تنوع می‌یابد، همگی بر روش علمی در روانشناسی استوار است. در فرایند تحقیق علمی، افزون بر فرایند تجربی تحقیق که در رویکرد کمی، کیفی و ترکیبی به آن پرداخته می‌شود، فرایند منطقی و فلسفی تحقیق نیز لازم است مورد توجه قرار گیرد. آگاهی از فرایند منطقی و فلسفی تحقیق موجب می‌شود به عنوان یک چارچوب در خدمت مدیریت همه مراحل و فرایندهای اجرایی تحقیق قرار گیرد، تا مراحل به صورت آگاهانه و هدفمند دنبال شوند. زمانی که پژوهشگر مسئله تحقیق را انتخاب می‌کند، با دو پرسش مواجه می‌شود:

۱. از چه روش‌شناسی‌ها و روش‌هایی در تحقیق می‌تواند بهره ببرد؟
۲. چگونه می‌تواند انتخاب خود را توجیه و تصدیق کند؟

پرسش دوم ناظر به معرفت‌شناسی است. معرفت‌شناسی از معرفت فی‌نفسه سخن می‌گوید، که در اینجا از آن بحث نخواهیم کرد. اما در ذیل پرسش اول، سه مفهوم «روش تحقیق»، «روش‌شناسی» و «پارادایم» وجود دارد. در این جا بر اساس تعریف‌های رایج جهت رعایت

۱. جهت مطالعه بیشتر در این باره و نیز درباره سه پارادایم اثبات‌گرایی، تفسیری و انتقادگرایی رک: بلیکی، نورمن، پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، پارادایم‌شناسی علوم انسانی، برایان فی؛ مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی، محمدتقی ایمان؛ فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، محمدتقی ایمان؛ روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان، ایمان و احمد کلاته.

2. Method of research
3. Crotty
4. Blaike, N.

5. Explore
6. Discribe

شاید بتوان با تبیین منطق این فرایند، به طور اجمالی از آن دفاع کرد.

۱. بیان مسئله: معمولاً هر پژوهش با یک مسئله<sup>۵</sup> آغاز می‌شود: الف. گاهی مشکلی در ابعاد فردی، خانوادگی یا اجتماعی وجود دارد که در قالب یک مسئله به صورت سؤالی مطرح می‌شود. مانند اینکه «مهم‌ترین عوامل افزایش طلاق در تهران در دوره زمانی ۱۳۹۰-۹۵ چیست؟». ب. گاهی یک نیاز وجود دارد که در قالب یک مسئله طرح می‌شود: «آیا سلامت معنوی در کودکی اول (۳-۷ سالگی) نیاز جدی است؟ آیا این نیاز، قابل تامین است؟». البته ممکن است این نیاز ناشی از تشخیص مدیران و کارفرمایان در یک اداره یا کارخانه در حوزه روانشناسی صنعتی سازمانی باشد، یا در یک مرکز یا مجتمع آموزشی در حوزه روانشناسی تربیتی باشد، یا در یک مرکز مشاوره یا کلینیک درمانی در حوزه روانشناسی بالینی باشد و یا در حوزه‌های دیگر از جمله روانشناسی رشد، روانشناسی شناختی، روانشناسی اجتماعی، فیزیولوژیک و... ج. گاهی هم نه مشکلی وجود دارد نه نیاز خاصی به چشم می‌خورد، بلکه صرفاً دلبستگی‌ها، علایق و کنجکاوی علمی - معرفتی دانشمند باعث می‌شود مطلبی را دنبال کند و در تکاپوی علمی خود مسیر جدیدی را در دانش باز کند. البته در اینجا نیز معمولاً دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های دانشمند اگر بخواهد به صورت روشمند مطرح شود و به ادبیات علمی پیش از خود پیوند جدی بخورد، بناچار باید در قالب یک مسئله و پرسش ارائه گردد. مثال این نوع سوم را از جمله در پرسش‌های پیازه در مراحل و کیفیت رشد شناختی کودکان مشاهده می‌کنیم (ر.ک. پیازه، ۱۳۷۴). این شق سوم عمدتاً ناظر به پژوهش‌های بنیادی و دو قسم پیشین، ناظر به پژوهش‌های کاربردی است. البته

(طبقه‌بندی<sup>۱</sup>)، برقراری رابطه همزمانی<sup>۲</sup> و نیز برقراری رابطه علت و معلولی<sup>۳</sup> پردازد. روش تحقیق مناسب براساس گزاره‌های تحقیق انتخاب می‌شود» (سرمد و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۲).

برای انجام تحقیق مراحل چندی بیان شده که معمولاً با عنوان «مراحل روش علمی» یاد می‌شود. هرچند تفصیل این مراحل گاهی تا ۱۲ مرحله ترسیم می‌شود، اما به اختصار آن را می‌توان در پنج گام مشخص کرد: ۱. پی بردن به مسئله ۲. جستجوی پیشینه ۳. تدوین فرضیه ۴. مشاهده و آزمون فرضیه ۵. پذیرش، رد یا تعدیل فرضیه (همان: ۲۳ و ۲۴). بسیاری از محققان (از جمله: بورگ و گال و بورگ<sup>۴</sup>؛ ۱۹۶۶ و کرسول<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲ به نقل از لطف‌آبادی، ۱۳۸۸) شش گام اساسی را در فرایند پژوهش به شرح زیر ارائه می‌کنند:

۱. بیان مسئله؛
  ۲. مطالعه پیشینه پژوهش؛
  ۳. مشخص کردن هدف، فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق؛
  ۴. جمع‌آوری اطلاعات؛
  ۵. تحلیل و تفسیر اطلاعات؛
  ۶. گزارش و ارزشیابی تحقیق.
- برخی محققان دیگر (مانند: کرلینجر<sup>۶</sup>، ۱۹۷۲؛ لیدی و اورمراد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱ به نقل از همان) نیز چهار مرحله از مراحل شش‌گانه فوق را با حذف موارد ۲ و ۶ بیان می‌کنند. متون و منابع دیگر روش تحقیق (از جمله: دلاور، ۱۳۸۵؛ عیسوی، ۱۳۸۶) نیز کمابیش همین مراحل را مورد توجه قرار داده‌اند.

هرچند برخی نویسندگان (لطف‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۳) بر این نظرند که این مراحل اساساً بر دیدگاه استقرارگرای در فلسفه علم و بر روال پژوهش‌های کمی مبتنی است، اما

5. Creswell  
6. Kerlinger  
7. Leedy & Ormorad  
8 Problem

1. Classification  
2. Concomitant relationship  
3. Cause & effect  
4. Gall, Borg, & Gall

زیرا با توجه به کثرت و انبوه اطلاعات در هر موضوع یا مسئله، داشتن کلیدواژگان مناسب - که قطعاً رشته و شاخه مربوطه می‌تواند بخشی از آن باشد - حوزه جستجو را محدود و تخصصی و غربالگری را تسهیل می‌کند.

بنابراین از جهت منطقی، مطالعه پیشینه، مقدم بر مراحل بعدی پژوهش خواهد بود. از جهت فلسفه علم نیز، دانستن هندسه علوم و طبقه‌بندی شاخه‌های علمی و قلمرو مسائل هر شاخه موجب تفکیک تخصصی حوزه‌های تحقیق و بالندگی هر رشته یا شاخه علمی به طور خاص خواهد شد. البته معمولاً سر زدن و توجه به رشته‌های نزدیک و مجاور، استفاده از دستاوردهای آن علوم را نیز، در این مسئله امکان‌پذیر می‌سازد و در برخی مسائل مطالعه آن را به صورت میان‌رشته‌ای<sup>۱</sup> یا چندرشته‌ای<sup>۲</sup> میسور می‌کند. امروزه نظام تقسیم‌بندی دانش به عرصه‌های مختلف رشته‌ای مورد چالش جدی قرار گرفته است. محصور ماندن دانش پژوهان در مرزهای غیرمنعطف رشته‌ای، امکان ظهور بسیاری از خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها را از آنها می‌ستاند و آنها را صرفاً به کاربران مطیع نظام موجود آموزشی و پژوهشی تبدیل می‌کند. از دیگر سو، رهایی از پیامدهای تخصصی شدن بیش از اندازه در حوزه‌های مختلف علمی و همچنین ضرورت ایجاد زمینه‌های فکری برای پرورش رویکردهای خلاقانه و انتقادی در میان دانشجویان و شاغلان به امور پژوهشی، پرداختن به «میان‌رشتگی» را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (ر.ک. گفتمان میان‌رشته‌ای دانش، علی خورسندی طاسکوه و مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، سید محسن علوی و همکاران).

**۳. هدف، فرضیه و سؤالات:** این بخش شامل سه عنوان است: عناوین هدف و سؤالات تحقیق می‌تواند

در دسته اول و دوم نیز گاهی حل یک مشکل یا پاسخگویی به یک نیاز در سطح علم و دانش موجود تأمین نمی‌شود و در نتیجه یک پژوهش کاربردی به توسعه علم در سطح بنیادی منجر می‌شود. به عنوان مثال پژوهشگر بالینی در مواجهه با اختلافات خانواده و بررسی عوامل افزایش طلاق به این نتیجه می‌رسد که یکی از عوامل ناکارآمدی، استفاده از برخی از مدل‌ها و پروتکل‌های موجود است و باید بسته‌های جدید متناسب با فرهنگ بومی تهیه و آزمون شود.

**۲. پیشینه:** ضرورت صرفه‌جویی در سرمایه، وقت، انرژی و نیروی انسانی از یک سو برای پیشگیری از دوباره‌کاری و تکرار پژوهش‌های دیگران و نیز استفاده کامل از یافته‌ها، نتایج، روش‌ها، تجربه‌ها، ضعف‌ها و قوت‌های فعالیت‌های علمی پیشین برای تکمیل و تکامل کاروان دانش از سوی دیگر، باعث می‌شود، در پژوهش هر مسئله‌ای ابتدا پیشینه علمی آن بررسی گردد و دقیقاً ادبیات علمی ناظر به این مسئله در منابع مربوطه شامل کتب، مقالات، رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها در فضای مجازی و حقیقی جستجو گردد. بدیهی است توجه به تبارشناسی مسئله برای جستجو از منابع لازم است و مسیر جستجو را آسان می‌کند. به عنوان مثال پژوهش در مسئله «عوامل پرخاشگری در ایران در دهه ۱۳۹۰ چیست؟» عمدتاً به روانشناسی اجتماعی بازمی‌گردد. پس مراد از تبارشناسی در هر مسئله، توجه به رشته دانشی مربوطه به طور کلی (به عنوان مثال روانشناسی) و توجه به شاخه یا حوزه خاص مربوطه به طور ویژه (به عنوان مثال روانشناسی اجتماعی در این مسئله مورد نظر) است. تبارشناسی استفاده از فناوری اطلاعات و موتورهای جستجو را نیز آسان می‌کند؛

۱. معرفتی و روشی رشته خاص خود کار می‌کنند. در این رویکرد، تعامل بین رشته‌ها نیست و هر رشته بخشی از مسئله مربوطه به خود را به آن می‌پردازد (همان: ۷۹ و علوی پور، ۱۳۸۷: ۱۵).

۱. Interdisciplinary تعامل، ارتباط و همکاری آگاهانه و روشمند حرفه‌ای میان کنشگران و متخصصان رشته‌های از حوزه‌های مختلف علمی در یک مسئله اطلاق می‌شود به گونه‌ای که ابعاد مسئله قابل تفکیک نیست (خورسندی، ۱۳۸۷: ۷۵).

۲. Multidisciplinary گونه‌ای است که طی آن هر یک از کنشگران و متخصصان رشته‌های مختلف، در بررسی و مطالعه یک مسئله و موضوع مشترک، از نظرگاه

روش‌های کمی یا کیفی و متناسب با روش مربوطه کدگذاری، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل مفهومی، تحلیل آماری، تفسیر داده‌ها و استنتاج و نتیجه‌گیری انتخاب می‌شود. در بخش ارزیابی و اعتبارسنجی اطلاعات به صورت استنادی، در خصوص پژوهش‌های کتابخانه‌ای و به صورت آمار استنباطی، در مورد پژوهش‌های میدانی کمی انجام می‌شود. در باره پژوهش‌های کیفی با توجه به تفاوت میان شیوه‌های گوناگون، در بخش بعدی سخن خواهیم گفت.

**۶. گزارش و ارزشیابی تحقیق:** ارزشیابی یا ارزشیابی تحقیق در بخش قبل قابل اندراج است. گزارش تحقیق، هرچند حایز اهمیت است و معمولاً در قالب‌های گزارش تحقیق، مقاله علمی و کتاب منتشر می‌شود، اما به نظر می‌رسد گزارش بیشتر برای ارائه به جامعه علمی و گرفتن بازخورد است و جنبه بین‌الذنهانی کردن تحقیق را بر عهده دارد. پس می‌توان گفت گزارش نیز از ارکان و مراحل اصلی پژوهش نیست!

بنابراین می‌توان گفت مراحل اصلی روش تحقیق چهار گام است: بیان مسئله، پیشینه‌پژوهی، جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت، تحلیل و تفسیر اطلاعات.

### انواع روش تحقیق در روانشناسی

بر اساس منابع روش تحقیق در روانشناسی، روش‌های تحقیق در سه طبقه بزرگ قرار دارد که عبارتند از: روش‌های کمی، روش‌های کیفی و روش‌های ترکیبی. هر یک از اینها را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم. البته برخی منابع روش تحقیق در روانشناسی به مقدمات و پیش‌نیازهای تحقیق اشاره می‌کنند (مانند: بست، ۱۳۶۷؛ سیف، ۱۳۷۵)؛ برخی به یک دسته می‌پردازند: روش تحقیق کمی (مانند: گیلز، ۱۳۹۱؛ سرمد و بازرگان، ۱۳۸۳؛ دلاور، ۱۳۸۵) یا روش کیفی (ر.ک. مارشال و راس‌من، ۱۳۷۷؛ هومن، ۱۳۸۵)؛ برخی دیگر فقط به دو دسته کمی و

ضمن بیان مسئله در حد لزوم بیاید، اما در مورد فرضیه عمدتاً در پژوهش‌های کمی قابل طرح است اما در پژوهش‌های کیفی ضرورتی ندارد یا امکان طرح آن نیست (ر.ک. روش‌شناسی پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی، لطف‌آبادی، ۱۳۸۸، فصل چهارم؛ طرح پژوهش رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی، کرسول، ۱۳۹۴، فصل ۹ و روش تحقیق کیفی، مارشال و راس‌من، ۱۳۷۷). بنابر این می‌توان گفت به طور کلی در هر پژوهش به عنوان یک گام اساسی ضرورت ندارد.

**۴. جمع‌آوری اطلاعات:** این بخش در هر پژوهش لازم است. در واقع برای پاسخگویی به مسئله لازم است اطلاعات مناسب مسئله و متناسب با گروه‌های هدف جمع‌آوری شود تا بتوان در حل مسئله اقدام کرد. در جمع‌آوری اطلاعات باید اصول صحت (= معتبر بودن منابع و مآخذ اطلاعات) و دقت [کوچکترین بی‌احتیاطی در برداشت، درج، جایجایی و انتقال اطلاعات، ممکن است داده‌ها را تغییر دهد و در نتیجه‌گیری و کشف حقیقت آنگونه که هست اختلال کند] مراعات شود. روش‌های گردآوری اطلاعات به دو طبقه کتابخانه‌ای و میدانی تقسیم می‌شود. در روش کتابخانه‌ای به دنبال اسناد و مدارک مربوطه هستیم که بیشتر با موضوعات و مسائل تاریخی و نقلی تناسب دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۶۴ و ۱۶۵). البته در شاخه‌های شخصیت و روانشناسی دین نیز در روانشناسی، اگر بخواهیم در باره رفتارها و احوالات شخصیت‌های گذشته بررسی کنیم نیازمند روش اسنادی و کتابخانه‌ای هستیم (ر.ک. جیمز، ۲۰۰۲). روش‌های میدانی که از شهرت بیشتری برخوردارند و در روانشناسی نیز بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارتند از: پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، آزمون و روش‌های صوتی یا تصویری (همان؛ نادری و سیف نراقی، ۱۳۶۳، فصل هفتم).

**۵. تحلیل و تفسیر اطلاعات:** این بخش از مهم‌ترین مراحل پژوهش است. اطلاعات به دست آمده با توجه به

شخصیت (ر.ک. رایبیز و همکاران، ۲۰۰۷) بررسی می‌کنند و بعضی دیگر از منابع، بازخوانی پژوهش‌های روانشناختی را موضوع بحث خود قرار داده‌اند (ر.ک. بانیارد و گرایسون، ۱۹۹۶). در جدول زیر، بخشی از مهم‌ترین کتاب‌های روش تحقیق در روانشناسی که در سه دهه گذشته در ایران به عنوان منبع یا متن درسی استفاده شده است (و ادامه دارد)، از جهت نوع مباحثی که به آنها پرداخته شده، آمده است.

کیفی پرداخته‌اند (مانند گال و همکاران، ۱۳۸۳)؛ بعضی منابع نیز به هر سه دسته می‌پردازند (مانند کرسول، ۱۳۹۱؛ لطف‌آبادی، ۱۳۸۸). البته منابع معدودی به دسته چهارم هم پرداخته‌اند که با عناوین «روش تحقیق از دیدگاه اسلام» (عیسوی، ۱۳۸۶؛ پسندیده، ۱۳۹۷) و «خردگرایی مینوی» (لطف‌آبادی، ۱۳۸۸) آن را از سایر روش‌ها متمایز کرده‌اند. برخی منابع نیز روش تحقیق را در حوزه خاص مانند روانشناسی بالینی (ر.ک. صاحبی، ۱۳۸۲) یا روانشناسی

جدول (۱) منابع و متون روش تحقیق در روان‌شناسی

منبع	گال، کرسول، ۲۰۰۹ (به نقل از پهرانی و همکاران، ۱۳۹۹)	رایبیز و همکاران، ۲۰۰۷	گال و همکاران، ۲۰۰۳ (به نقل از صاحبی، ۱۳۸۲)	بانیارد و گرایسون، ۱۹۹۶	مارشال و وراسمن، ۱۹۹۵ (به نقل از بانیارد و گرایسون، ۱۳۹۷)	گرتزمر، ۱۹۹۹ (به نقل از لاشرفی و طاقستانی، ۱۳۹۷)	پست، ۱۹۹۳ (به نقل از لاشرفی، ۱۳۹۷)	لطف‌آبادی، ۱۳۸۸	عیسوی، ۱۳۸۶	دلور، ۱۳۸۵	سرد و همکاران، ۱۳۸۳	صاحبی، ۱۳۸۲	سیف، ۱۳۷۵	تساری و ترقی، ۱۳۶۴
مفاهیم و کلیات	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
کتابی	✓ (پشت)	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
کتابی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓ (مجموعه)
توکیبی	✓													
اسلامی								✓						
میلوی								✓						
روش پژوهش در یک شاخه روانشناسی												✓ (روانشناسی بالینی)		
بازخوانی پژوهش‌ها در روانشناسی	✓ (مجموعه)													

جدول (۲) تحلیل محتوای کمی شانزده کتاب روش تحقیق  
(لطف‌آبادی، ۱۳۸۸)

میانگین درصدی	بنیادهای روش‌شناختی و نوع روش‌های پژوهشی
۳/۱۸٪	حجم بحث‌های بنیادی فلسفه علم در کتاب‌ها
۹۲/۶٪	حجم اتکاء به فلسفه تحمیلی و پساتحمیلی
۶/۷٪	حجم اتکاء به فلسفه ساختن‌گرایی
*	حجم اتکاء به فلسفه‌های دیگر
۹۲/۹٪	حجم اختصاص‌یافته به روش‌های کمی
۶/۱٪	حجم اختصاص‌یافته به روش‌های کیفی
*	حجم اختصاص‌یافته به روش‌های ترکیبی

در مطالعه دیگری با عنوان «تحلیل محتوای مجله‌های علمی پژوهشی روانشناسی ایران» (مهرام و توانایی، ۱۳۸۸) نیز نتایج مشابهی به دست آمد: سیصد و هفده مقاله منتشر شده در مجله‌های علمی-پژوهشی بین سالهای ۱۳۸۶-۱۳۸۴، به طور تصادفی به ۶ پژوهشگر روانشناسی ارائه شد تا بر اساس موضوع و روش‌های پژوهشی آنها تحلیل محتوا شوند. یافته‌ها نشان دادند قلمروهای روانشناسی سلامت، تحولی، تربیتی، بالینی و مشاوره‌ای، فراوان‌ترین موضوع‌ها بودند و استانداردهای آزمون، همبستگی، مدل‌های علی، تجربی و شبه‌تجربی فراوان‌ترین روش‌های پژوهش بوده‌اند. مقاله‌ای در باره روانشناسی ورزش، روانشناسی حیوانی، روانشناسی نظامی، روانشناسی رسانه و روانشناسی شغلی یا مبتنی بر روش‌های کیفی یافت نشد.

در یک پژوهش (لطف‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۶) با هدف «بررسی روش‌شناسی پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی در ایران» شانزده منبع اصلی تدریس روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی و تمام مقالات روانشناسی که در آخرین شماره نشریه‌های علمی پژوهشی کشور چاپ شده، بررسی شدند. همچنین بیست و دو نفر استادان روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی هفت دانشگاه بزرگ کشور<sup>۱</sup> و صد و نوزده نفر از دانشجویان که در این دانشگاه‌ها بیشترین نمره‌ها را داشته‌اند، مصاحبه ساختار یافته‌شد. نتایج این پژوهش عبارتند از:

۱. بنیادهای معرفت‌شناختی و بنیادهای روش‌شناختی منابع و متون درسی روش تحقیق که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود از نوع فلسفه پوزیتویستی و پسا پوزیتویستی و روش کمی‌گرایانه است.
۲. مقالات روانشناسی و تربیتی که در مجلات علمی پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی کشور چاپ شده، بر اساس بنیاد فلسفه پوزیتویستی و پساپوزیتویستی و بر روش کمی‌گرا استوار است و عمدتاً حاصل طرح‌های پژوهشی راهبردی است.
۳. بنیادهای نظری معرفت‌شناسی تدریس استادان درس روش تحقیق نیز اساساً از نوع فلسفه کمی‌گرای پوزیتویستی و پساپوزیتویستی است و به پژوهش‌های کیفی چندان توجهی نمی‌شود.
۴. دانشجویان درس روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی با ماهیت پژوهش، بنیادهای نظری و بنیادهای نظری فلسفه علم در پژوهش‌های روانی تربیتی آشنا نمی‌شوند و آموزش قابل‌ذکری در این مورد به آنان داده نمی‌شود.

۱. دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، شهید بهشتی، تربیت‌معلم، آزاد تهران، شیراز و اصفهان.



جدول (۳) دسته‌بندی روش‌های مطالعه در مقاله‌های مورد بررسی (به نقل از مهرازم و توانایی، ۱۳۸۸)

دسته‌بندی روش‌های مطالعه در مقاله‌های مورد بررسی	
روش	توصیف
<b>کمی</b>	
پیمایشی	زمینه‌یابی، نگرش‌سنجی، همه‌گیرشناسی [سرمد و دیگران، ۱۳۷۸]
همبستگی	بررسی روابط میان دو یا چند متغیر در قالب ضرایب همبستگی، مدل‌های رگرسیونی و طرح‌های چند متغیری عظی مانند مدل‌های ساختاری [گال و دیگران، ۲۰۰۶/۱۳۸۷]
عظی - مقایسه‌ای	بررسی علل از طریق پیامدها و مقایسه مبتنی بر گذشته‌نگری [صاحبی، ۱۳۸۲]
آزمایشی	مطالعه در شرایط آزمایشی و یا رعایت دستکاری متغیر مستقل و پیشینه کنترل [آری و دیگران، ۱۹۹۶]
شبه آزمایشی	مطالعه در شرایط آزمایشی و در شرایطی که پیشینه کنترل - از جمله انتساب تصادفی - امکان‌پذیر نباشد [آری و دیگران، ۱۹۹۶]
تک آزمودنی	مطالعات آزمایشی در تعداد اندکی از آزمودنیها و براساس کنترل از طریق مقایسه با خود آزمودنیها (خط پایه) [صاحبی، ۱۳۸۲]
تحلیل محتوا	بررسی محتوای یک اثر مانند کتاب، روزنامه و یا فیلم، از طریق شمارش واحدهای ثبت [هومن، ۱۳۸۵]
فراتحلیل	از جمله فنون آماری که به تحلیل چندین تحقیق کمی در خصوص موضوعی واحد پرداخته و براساس سطح خطای مطالعات، به یافته و اندازه اثری جدید دست می‌یابد [دلاور، ۱۳۸۵]
هنجاریابی (ساخت آزمون)	مناسب‌سازی یک تست برای یک جامعه از لحاظ هنجار، اعتبار و روایی [صاحبی، ۱۳۸۲]
<b>کیفی</b>	
قوم‌نگاری	مطالعه گروهی مشخص از افراد و یا گروه‌های اجتماعی براساس حضور پژوهشگر در یافت مورد مطالعه و درک بلاواسطه وقایع [گال و دیگران، ۲۰۰۶/۱۳۸۷]
تاریخی	مطالعه وقایع مربوط به گذشته از طریق آثار مکتوب و اسناد یا آثار و اینه [سرمد و دیگران، ۱۳۷۸]
تحلیل محتوا	بررسی محتوای یک اثر مکتوب، دیداری یا شنیداری براساس روی‌آوردی تفسیری و خردگرایانه [گال و دیگران، ۲۰۰۶/۱۳۸۷]
روایتی	جمع‌آوری روایتها و حکایت‌های مختلف در خصوص یک پدیده و سرایش روایتی نو برای آن توسط محقق [شعبانی‌ورکی، ۱۳۸۵ ب]
موردی	مطالعه همه جانبه یک فرد، یک گروه و یا یک نهاد اجتماعی [هومن، ۱۳۸۵]
<b>سایر</b>	
تلفیقی <sup>۱</sup>	استفاده از دو روش مختلف یا بهره‌گیری از دو روی‌آورد کمی و کیفی [ساروخانی، ۱۳۸۵]
مروری	این نوع مطالعات نظری معمولاً به روشن‌شدن زوایای یک مسأله کمک می‌کند [حافظ‌نیا، ۱۳۸۵]
تحلیل ثانویه	بهره‌گیری از داده‌های جمع‌آوری شده حاصل از یک یا چند مطالعه قبلی، یا هدف پاسخدهی به سؤالا و یا فرضیه‌هایی جدید [احمدی، ۱۳۸۷]

است در همه پژوهش‌های کمی از نمونه‌گیری و تحلیل آماری خاص (توصیفی و استنباطی) استفاده می‌کنیم. براساس دیدگاه کرسول (۱۳۹۱) دو شیوه طرح پیمایشی و طرح آزمایشی، روش‌های اصلی پژوهش کیفی هستند. طرح پیمایشی با مطالعه یک نمونه از جامعه، از روندها، نگرش‌ها یا باورهای آن جامعه توصیف کمی یا عددی فراهم می‌آورد. پژوهشگر، نتایج حاصل از مطالعه نمونه را به کل جامعه تعمیم می‌دهد یا در باره کل جامعه نتیجه‌گیری می‌کند. در مطالعه آزمایشی نیز، پژوهشگران یک نمونه را شناسایی و نتیجه آن را به جامعه تعمیم می‌دهند. اما هدف اصلی طرح آزمایشی ضمن کنترل همه عوامل دیگری که می‌توانند بازده را تحت تأثیر قرار دهند، آزمودن تأثیر یک عمل آزمایشی<sup>۴</sup> (یا یک مداخله<sup>۵</sup>) بر بازده است. یک نوع کنترل، آن است که پژوهشگران افراد را به صورت تصادفی در گروه‌ها جایگزین کنند، وقتی یک گروه عمل آزمایشی را دریافت و گروه دیگر دریافت نمی‌کند، پژوهشگر می‌تواند تأثیر عمل آزمایشی و نه عوامل دیگر را بر بازده بررسی کند.

مؤلفه‌های طرح روش پیمایشی عبارتند از:  
(همان: ۲۵۳)

۱. مشخص کردن هدف پژوهش پیمایشی که تعمیم از نمونه به جامعه است؛
۲. نشان دادن دلیل انتخاب پیمایش به عنوان شیوه برتر گردآوری داده‌ها؛
۳. مقطعی<sup>۶</sup> بودن (یعنی گردآوری داده‌ها در یک مقطع زمانی) پیمایش یا از نوع طولی<sup>۷</sup> (گردآوری در طول زمان)؛

نتیجه مشترک این دو مطالعه که ناظر به روش تحقیق در روانشناسی در ایران است نشان می‌دهد بیش از نود درصد پژوهش‌ها بر روش‌های کمی تمرکز یافته و روش‌های کیفی یا ترکیبی به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند. افزون بر این، پایه‌ها و مبانی فلسفی و معرفتی تقریباً همه روش‌ها مورد توجه و بررسی نیست. در بخش بعد به ترتیب، روش‌های کمی، کیفی و ترکیبی را در روانشناسی، از منظر فلسفی مورد بحث قرار می‌دهیم.

### روش‌های پژوهش کمی<sup>۱</sup> در روانشناسی

در این بخش ابتدا گزارشی از روش‌های کمی مورد استفاده در روانشناسی ارائه می‌شود و سپس میزان اعتبار و ارزش آنها از جهت علمی و فلسفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. «طراحی روش‌های کمی برای یک پیشنهاد یا مطالعه پژوهشی با تمرکز بر طرح‌های پیمایشی و آزمایشی، مفروضه‌های فلسفی پسااثبات‌گرایی را منعکس می‌کنند. برای نمونه، از دیدگاه جبرباوری بررسی رابطه میان متغیرها، محور اصلی پاسخ به سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش از طریق روش‌های پیمایشی<sup>۲</sup> و آزمایشی<sup>۳</sup> است. کاهش تعداد متغیرها به مجموعه‌ای کمتر و اقتصادی‌تر و کنترل شدید از طریق طرح یا تحلیل آماری، برای آزمون نظریه، داده‌هایی را فراهم می‌آورد. داده‌های عینی از مشاهده‌ها و اندازه‌های تجربی حاصل می‌شوند. روایی و پایایی نمره‌های حاصل از ابزارهای اندازه‌گیری، به تفسیر معنادار داده‌ها منجر می‌شود. (کرسول، ۱۳۹۱: ۲۵۲). بنابر این پژوهش کمی، هر گونه تحقیقی است که در فرایند و در نتایج با عدد و رقم سر کار دارد. بدیهی

7. Longitudinal

1. Quantitative methods
2. Survey research
3. Experimental research
4. Treatment
5. Intervention
6. Cross-sectional

بررسی می‌شود مانند رابطه میان افسردگی و دینداری. اما در طرح‌های آزمایشی یک مداخله یا عمل آزمایشی در یک موقعیت صورت می‌گیرد و نتایج آن در متغیر وابسته ملاحظه می‌شود، در حالی که در طرح‌های توصیفی، علی-مقایسه‌ای و همبستگی، موقعیت را به همان صورتی که هست مورد مطالعه قرار می‌دهند. طرح‌های آزمایشی نیز دارای اقسام: طرح‌های تک‌گروهی، گروه کنترل با تخصیص تصادفی، شبه‌آزمایشی، عاملی و تک‌موردی یا تک آزمودنی (همان، فصول ده تا سیزده).

کرلینجر<sup>۲</sup> (۱۳۷۴) نیز طرح‌های کمی را به دو دسته آزمایشی و غیرآزمایشی تقسیم می‌کند. در تحقیق غیرآزمایشی پژوهشگر نمی‌تواند متغیرها را دستکاری کند و آزمودنی‌ها یا تدابیر آزمایشی را به طور تصادفی تعیین کند؛ زیرا ماهیت متغیرها به گونه‌ای است که آنها را نمی‌توان دستکاری کرد. کرلینجر پژوهش‌های کمی را در چهار دسته: آزمایش‌های آزمایشگاهی، آزمایش‌های میدانی، مطالعات میدانی و پژوهش‌های پیمایشی (زمینه‌یابی) تقسیم می‌کند، که دو مورد نخست، آزمایشی و دو مورد سوم و چهارم، غیرآزمایشی‌اند. بالاترین کنترل در آزمایش‌های آزمایشگاهی و کمترین کنترل در زمینه‌یابی است.

بنابراین در منابع مختلف روش تحقیق با دسته‌بندی‌های متفاوت و گوناگون مواجه می‌شویم. در ملاحظات به این تفاوت‌ها می‌پردازیم.

مؤلفه‌های طرح روش پژوهش آزمایشی نیز عبارتند از: (دلاور، ۱۳۹۷: ۲۶۸)

۱. توصیف فرایند انتخاب شرکت‌کنندگان به صورتی تصادفی یا غیر تصادفی (مثلاً نمونه در دسترس)؛
۲. جایگزینی تصادفی افراد در گروه‌های آزمایشی مورد بحث، در فرض تصادفی؛

۴. مشخص کردن نوع گردآوری داده‌ها: مانند پرسشنامه‌های خودآزما، مصاحبه‌ها، گزارش‌های ساختار یافته، مشاهده‌های ساختار یافته، پیمایش مبتنی بر وب و اینترنتی و توزیع آن به صورت برخط؛

۵. مشخص کردن ویژگی‌های جامعه و شیوه‌های نمونه‌گیری؛

۶. ارائه دادن ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها؛

۷. متغیرهای مستقل، وابسته و کنترل مورد استفاده؛

۸. انتخاب آزمون‌های آماری مناسب و اجرای آنها؛

۹. تحلیل و تفسیر داده‌ها؛

۱۰. جمع‌بندی نتایج و تهیه گزارش.

در برخی از منابع (دلاور، ۸۷) زمینه‌یابی معادل پیمایشی آمده، اما از جهت محتوا و مراحل تفاوت چندانی وجود ندارد. بعضی از منابع (لطف‌آبادی، ۱۳۸۸) روش‌های کمی را در سه دسته پیمایشی، رابطه‌ای تحقیق (علی-مقایسه‌ای) و آزمایشی طبقه‌بندی می‌کنند. بنابراین طرح‌های تحقیق علی-مقایسه‌ای و همبستگی که براساس دیدگاه کرسول از اقسام پیمایشی محسوب می‌شوند، در این منبع در عرض و قسیم پیمایشی آمده است. گال و همکاران (۱۳۸۴) نیز طرح تحقیق کمی را در چهار قسم: روش تحقیق توصیفی، روش تحقیق علی-مقایسه‌ای، طرح‌های تحقیق همبستگی و طرح‌های تحقیق آزمایشی می‌دانند. طرح تحقیق توصیفی، زمانی مناسب است که هدف پژوهش بیان توصیف جزئیات یک پدیده [مثل نگرش مردم در مورد سیگار کشیدن] باشد. در طرح تحقیق علی-مقایسه‌ای، محقق دو یا چند گروه را شکل می‌دهد و آنها را مقایسه می‌کند تا به علل احتمالی یا اثر یک پدیده پی ببرد، مانند بررسی عوامل طلاق در طبقات اجتماعی گوناگون. در طرح همبستگی، همبستگی میان دو متغیر

2. Kerlinger, F.N.

1. Online

شبه‌آزمایشی و تحلیل عاملی می‌پردازیم.

۱. **ماهیت کمیت:** روش‌های کمی، ریشه در کمیت دارد. کمیت عبارت است از مقدار چیزی که سنجیده یا پیموده یا شمرده شود؛ اندازه؛ مقدار؛ چندی (دهخدا، معین و عمید). در فلسفه ارسطویی و فلسفه اسلامی یکی از ابواب «مقولات عشر» است که از انواع جوهر و عرض بحث می‌کند و اقسام عرض به نه دسته طبقه‌بندی می‌شوند. یکی از اقسام نه‌گانه اعراض، «کم» است:

«فارابی و ابن‌سینا کم را اینگونه تعریف می‌کنند: عرضی که ذاتاً (فی حد ذاته) می‌توان شیء واحدی در آن یافت که قابل شمارش باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۰۹)

کم به دو نوع متصل و منفصل تقسیم می‌شود. کم متصل، کمیتی است که در آن می‌توان اجزایی را فرض کرد که در حدود مشترک با یکدیگر تلاقی کنند، یعنی آن چه جزء انتهای یک بخش است همان ابتدای بخش دیگر است؛ مانند خط و زمان که اجزای آن متصل هستند. کم متصل دارای دو نوع قار و غیر قار است. قار یعنی اجزاء آن بالفعل همگی ثابت و موجودند مانند خط و سطح و حجم (یعنی همه اشکال). غیر قار یعنی اجزاء مفروض آن، بالفعل قابل تجمع با هم نیستند؛ مانند زمان. کم منفصل، کمیتی است که آحاد آن دارای حد مشترک نیستند؛ مانند عدد (همان).

بنابراین می‌توان گفت در روش‌شناسی روانشناسی، محور اصلی همان کم منفصل یا اعداد هستند که در چارچوب دانش ریاضی و آمار از آنها بهره می‌بریم. البته از کم متصل قار یعنی اشکال نیز گاهی برای ارائه مدل‌ها و نمودارها استفاده می‌کنیم. موارد استفاده کم متصل غیرقار یعنی زمان به پژوهش‌های آزمایشی طولی یا پیمایشی طولی محدود می‌شود.

برخی از احکام و قواعد فلسفی ناظر به کمیت عبارتند از: قابلیت انقسام و تقسیم پذیری، قابلیت تساوی و تفاوت، نبود شدت و ضعف در مراتب آن (البته مراتب

۳. شناسایی ویژگی‌های طرح آزمایشی که به طور نظام‌مند متغیرهای اثرگذار بر بازده را کنترل می‌کنند مانند هم‌تای کردن شرکت کنندگان بر اساس یک ویژگی خاص و سپس جایگزین کردن یک فرد از هر مجموعه در هر گروه؛

۴. تعیین سطح معناداری آماری یا آلفا برای آزمایش؛  
۵. میزان توان مورد انتظار در مطالعه (بالا، متوسط و پایین)؛

۶. اندازه اثر، یعنی تفاوت‌های مورد انتظار در میانگین بین گروه‌های کنترل و آزمایشی بر حسب انحراف معیار؛  
۷. مشخص کردن حجم مورد نیاز برای هر گروه بر اساس

سه عامل سطح معناداری، توان و اندازه اثر؛  
۸. مشخص کردن متغیرهای مستقل (آن که دستکاری می‌شود) و متغیر وابسته (بازده یا برونداد که بر اثر دستکاری متغیر مستقل، تغییر می‌کند)؛

۹. تهیه ابزارهای مورد نیاز برای اندازه‌گیری /سنجش وضعیت هر یک از گروه‌های آزمایشی و کنترل بر اساس متغیرهای مستقل و وابسته (روایی، پایایی و سایر مشخصات ابزار باید احراز شود)؛

۱۰. مشخص کردن شیوه‌های خاص طرح آزمایشی (مانند پیش‌آزمایشی، آزمایشی واقعی، شبه‌آزمایشی یا نیمه‌آزمایشی، طرح‌های تک آزمودنی) شامل طرح کلی آزمایش، ذکر دلایل لازم برای طرح، و ارائه یک مدل دیداری از طرح.

۱۱. تحلیل داده‌ها، تفسیر نتایج بر اساس فرضیه‌ها یا سؤال‌های پژوهش و سرانجام تهیه گزارش علمی.

### تبیین و بررسی فلسفی

با مفروض گرفتن مباحث مسئله استقراء که در روش تجربی مطرح می‌شود، در اینجا به بررسی روش‌های کمی در روانشناسی مشتمل بر آزمایشی و غیر آزمایشی اعم از توصیفی، علی-مقایسه‌ای، همبستگی، آزمایشی،

پیش فرض‌های پارادایمی است که این رویکرد را راهبری می‌کند. این پیش فرض‌ها نیز ریشه در پارادایم اثبات‌گرایی و اثبات‌گرایی جدید دارند (ساراناکوس، ۱۹۹۳: ۲۴۰ به نقل از همان). مهم‌ترین پیش فرض‌هایی که رویکرد کمی تحقیق را راهبری می‌کنند و به عنوان منطبق حاکم به این رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرند، عبارتند از: (همان؛ و نیز ر.ک. برایمن، ۱۳۸۹: فصل دوم)

۱-۲. بنیان‌های روش‌شناختی و منطقی علوم اجتماعی و علوم طبیعی مشترکند. قبول این فرض به معنای تقویت اصل وحدت‌گرایی روش‌شناختی<sup>۲</sup> یا طبیعت‌گرایی روش‌شناختی<sup>۳</sup> است. پذیرش این فرض متکی به جهان بینی اثبات‌گرایی و اصول مربوط به آن به خصوص اصل ماهیت واقعیت و ماهیت انسان است. با توجه به تفاوت‌های بسیار میان انسان و سایر موجودات، نمی‌توان با روش‌های علوم طبیعی به طور کامل ویژگی‌های انسان را مورد پژوهش قرار داد (صمدی، ۱۳۹۰). البته این نکته به معنای رویگردانی و کنار گذاری روش تحقیق کمی نیست، بلکه باید از این روش استفاده کنیم و در عین حال توجه داشته باشیم که با تور روش کمی نمی‌توان همه خصوصیات روانشناختی انسان را صید کرد.

۲-۲. استفاده از رویکرد کمی تحقیق نیازمند این باور است که کسب معرفت علمی معتبر صرفاً از طریق حواس قابل مشاهده امکان‌پذیر است. این بدان معناست که پدیده‌هایی که بطور مستقیم قابل تجربه یا مشاهده نیستند و یا به طور غیرمستقیم با کمک ابزارهای در خدمت حواس انسانی مشاهده‌پذیرند، از اعتبار لازم جهت کسب معرفت علمی برخوردار نیستند. چنین ایده‌ای دخالت هر گونه اندیشه متافیزیکی در زمینه احساسات یا تجربه انتزاعی در قلمرو دانش علمی را متنفی می‌داند، مگر اینکه اندیشه‌ها قابل تبدیل به امور قابل مشاهده باشند. در حالی که

کاستی و زیادت وجود دارد)، عدم تضاد میان اعداد، متناهی بودن ابعاد (در اشکال)، نامتناهی بودن اعداد به صورت بالقوه نه آنکه بالفعل موجود باشد (همان).

بنابراین می‌توان پایه محاسبات آماری و ریاضی را فلسفی دانست که کاملاً مورد تأیید و قابل پذیرش است. البته در گستره و حدود آن باید سخن بگوییم.

۲. پیش فرض‌های رویکرد کمی: رویکرد کمی تحقیق (به معنای انحصارگرایی در کمیت)، ریشه در پارادایم اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) دارد. پارادایمی که ادعای بکارگیری روش‌های علوم طبیعی (به همان صورت) در علوم انسانی دارد. خصیصه کمی‌گرایانه این رویکرد محصول ویژگی‌های کمی‌گرایانه‌ی جمع‌آوری اطلاعات در علوم طبیعی است. بر اساس مبانی پارادایمی آن، تحقیق یک راهبرد ابزاری به شمار می‌آید و سریعاً ابزارهای تحقیق و به ویژه ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات به ذهن متبادر می‌شود. این رویکرد، زبان خاص تحقیقاتی مربوط به خود دارد که تا حد زیادی مشابه نحوه اظهار نظر دانشمندان علوم طبیعی پیرامون بررسی نظم طبیعی در عالم طبیعت و ارگانیسم‌های حیاتی است و در آن، مفاهیمی مانند متغیر، کنترل، آزمایش، علت و معلول مرتباً تکرار می‌شوند. این مفاهیم در طراحی تحقیقات تجربی نقش اساسی دارند. اگرچه مدل‌سازی و اندازه‌گیری در علوم اجتماعی (و از جمله روانشناسی) نفی نمی‌شود و از سوی بسیاری از محققان کیفی که مخالفان اصلی تحقیقات کمی به شمار می‌آیند (مانند: سیلورمن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵) مزایای بالقوه آنها نادیده گرفته نمی‌شود؛ ولی بکارگیری تمام‌عیار رویه‌های علوم طبیعی در علوم انسانی از نظر تعدادی از اندیشمندان برای رویکردهای کمی تحقیق، مشکل‌آفرین شده است (ایمان، ۱۳۸۸).

مشروعیت رویکرد کمی تحقیق به مجموعه

3. Methodological naturalism

1. Silverman, D.

2. Methodological monism

کلی به سطح تجربه و خرد انتقال می‌یابد، یک فرایند قیاسی است. منطق حاکم بر این فرایند، منطق آزمون نظریه است که یکی از اهداف علم اثباتی به شمار می‌آید. چنانچه فرضیات در فرایند آزمون تجربی تأیید نشدند، باید در نظریه (فرضیات) تجدید نظر شود. در اینجا رابطه قیاس و استقراء تا حدود زیادی روشن شده است. در علم اثباتی، زمانی قیاس‌های انجام شده معتبرند که در فرایند استقراء، آزمون تجربی شده باشند.

۲-۵. حقایق تجربی در رویکرد کمی تحقیق باید مستقل از ارزش‌ها بمانند. محقق نباید در فرایند تحقیق علمی قضاوت‌های ارزشی کند تا خصیصه عاری از ارزش بودن یا خنثی بودن ارزشی علم حفظ شود. قضاوت ارزشی باعث می‌شود عینیت‌گرایی تحقیق مخدوش و اعتبار معرفت علمی تضعیف شود. این بحث مورد انتقاد بسیاری از فیلسوفان علم از جمله کوهن (۱۹۷۰) قرار گرفته است. از نظر آنان مشاهده خنثی و بدون اتصال به نظریه یا چارچوب ذهنی امکان‌پذیر نیست. در رویکردهای کمی تحقیق که محقق از نظریه به واقعیت وارد می‌شود و هدایت نظریه را در ورود به همراه دارد، نمی‌تواند مستقل از راهبری نظریه مشاهده کند. افزون بر این، این توصیه یک الزام روش‌شناختی ناممکن است یعنی از جهت روانشناختی انسان موجودی هنجاری و ارزشی است که رفتارهای وی معنادار است و نمی‌تواند خود را از اینها تخلیه کند. ارزش‌ها و باورهای محقق، ارزش‌های محیطی و ارزش‌های پارادایم عمدتاً به صورت ناهشیار یا ناخودآگاه در فرایند پژوهش تأثیرگذار است و نمی‌توان از آنها ممانعت کرد. البته سوگیری‌های ارزشی ارادی و مورد توجه، ممنوع و مرجوح است. به همین جهت در منابع جدید به جای توصیه به عاری بودن از ارزش<sup>۱</sup>، صادق بودن با ارزش<sup>۲</sup>ها توصیه می‌شود! این موضوع نیازمند بررسی

برحسب مبانی معرفت‌شناسی، این مطلب قابل پذیرش نیست. بخشی از معرفت‌های ما از طرق روش عقلی و برهانی معتبر، روش نقلی معتبر یا روش شهودی معتبر قابل وصول است.

۲-۳. دانش علمی حاصل از رویکرد کمی تحقیق از طریق جمع‌آوری حقایق تأیید شده به دست می‌آید. قانون همان قاعده‌ای است که به وسیله حقایق تجربی تأیید شده حاصل می‌گردد. اینکه ما از طریق تجربه و مشاهده رویدادها به روابط بین پدیده‌ها می‌رسیم که پس از تکرار نیز تأیید می‌شوند، در حقیقت به قوانین عام دست یافته‌ایم. این فرایند استقرایی است که در تحقیقات تجربی جهت آزمون فرضیات مورد استفاده قرار می‌گیرد و در حوزه روانشناسی و روانشناسی تربیتی بیشتر از این فرایند استفاده می‌شود. بنابراین چون از منطق استقراء برای آزمون روابط بین متغیرها با جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود، اعتبار این روش منوط به اعتبار روش استقراء است. در حالی که روش استقرایی زیربنای روش تجربی، به‌رغم تبیین‌های مختلف، یقینی نیست. پس دانش حاصل از روش کمی نیز یقینی نمی‌باشد، هرچند مرتبه و درجه‌ای از اطمینان نسبی را می‌توان به طور متعارف کسب نمود (تأکید بر این نکته است که ارزش معرفتی دانش تجربی حاصل از روش تحقیق کمی بیش از حد خود بزرگ نمایی نشود!).

۲-۴. رویکرد تحقیق کمی در خدمت ورود از سطح نظریه به واقعیت تجربی است. نظریه انعکاس واقعیت عام است. بدان معنا که محقق کمی برای ورود به واقعیت، خالی‌الذهن نیست و از ذهنی مملو از خطا، تعصب و پیشداوری نمی‌تواند استفاده کند و لذا باید از نظریه علمی استفاده نماید. محقق برای توضیح نظری مسئله تحقیق با رجوع به نظریه‌های علمی اثبات‌گرایانه، اقدام به استنتاج فرضیات تحقیق می‌کند. این فرایند که از سطح انتزاع و

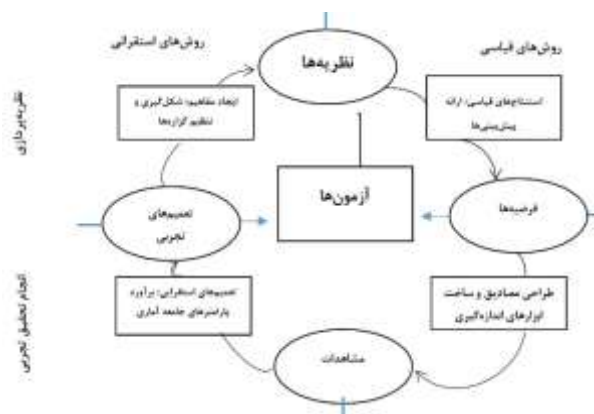
2. Value fare

1. Value free

۳. **کمیت‌نگری:** رنه گنون (۱۸۸۶-۱۹۵۱) فیلسوف شهیر فرانسوی در سه کتاب شرق و غرب (۱۹۲۴)، بحران دنیای متجدد (۱۹۲۷)، ترجمه عزیز، (۱۳۸۸) و سیطره کمیت و علائم آخر الزمان (۱۹۴۵)، ترجمه کاردان، (۱۳۶۱) به نقد ریشه‌های تمدن و فرهنگ جدید مغرب زمین می‌پردازد. به نظر گنون، قرون جدید و معاصر، مرحله نهایی افول و دور شدن از سنت یا معنویت اولیه است و با ظهور مکاتبی نظیر «اصالت بشر<sup>۱</sup>»، «اصالت فرد<sup>۲</sup>»، «اصالت ماده<sup>۳</sup>» و «اصالت علم<sup>۴</sup>» و نیز بینش‌های ترقی خواهانه، مساوات‌طلبانه، استیلاجویانه و نابسامانی و آشفتگی و جنگ و بی‌بندوباری‌های اخلاقی و نظایر آن مشخص می‌شود. چون نیک بنگریم، پای‌بست این بنای فرسوده و محکوم به انهدام، غفلت از کیفیت یعنی «ذات<sup>۵</sup>» و تحمل «سیطره کمیت» یعنی جوهر مادی<sup>۶</sup> است که گنون آن را پست‌ترین و ظلمانی‌ترین مرتبه عالم هستی می‌داند. به اعتقاد وی، همه نابسامانی‌ها و آشفتگی‌ها و بیدادگری‌های این روزگار، زاییده همین «کمیت‌نگری» و گرایش به اصالت علم و فرزند خلف آن صنعت و تکنولوژی و درهم آمیختی وحدت صوری<sup>۷</sup> با وحدت حقیقی<sup>۸</sup> است. گنون چنین عالمی را در سرایش سقوط و انحلال می‌داند (گنون، ۱۳۶۱).

از میان خصایص روحیه دنیای متجدد، گرایش به تأویل همه امور صرفاً به دیدگاه کمی است. این گرایش، هم در بینش‌های علمی قرون اخیر و هم در زمینه‌های دیگر مخصوصاً در سازمان اجتماعی به وضوح تمام دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که به استثنای یک نوع محدودیت، تقریباً می‌توان عصر ما را به زمانه‌ای که از حیث ماهیت و قبل از هر چیز، عصر سیطره کمیت است، تعریف کرد. ...

بیشتر است که از حد این مقال خارج می‌باشد (ر.ک. سروش، دانش و ارزش: پژوهشی در رابطه علم و اخلاق؛ جوادی، مسئله باید و هست؛ بحثی در باره ارزش و واقع). ۲-۶. رویکرد کمی تحقیق اغلب به دنبال تبیین علی است. برای دستیابی به تبیین، محقق در فرایند ساختاریافته منطقی قرار می‌گیرد. در این فرایند که از سطح نظریه شروع می‌شود با استخراج و استنتاج قضایا و فرضیات اقدام به عملیاتی نمودن متغیرها جهت سنجش و اندازه‌گیری می‌نماید. حاصل فعالیت در خدمت قبول، رد یا اصلاح فرضیات قرار می‌گیرد. انتظار این است که در این رویکرد، محقق به رابطه علی احتمالی دست یابد. آزمون تجربی روابط موجود در فرضیات تحقیق و انتقال این روابط به مدل تحقیق، در حقیقت، ارزیابی روابط علی است که بر اساس این روابط، تبیین واقعیت مورد مطالعه محقق می‌شود. نمودار زیر نشانگر فرایندی است که رویکرد کمی تحقیق به لحاظ منطقی در قالب فرایند قیاسی و استقرا به واقعیت دارد و به تبیین علی واقعیت می‌پردازد (همان: ۱۳۲).



نمودار (۱) فرایند تحقیق کمی (هال، ۱۹۶۶: ۳۸)

5. Essence  
6. Substance  
7 Uniform  
8 Unite

1. Humanism  
2. Individualism  
3. Materialism  
4. Scientism

و عناصر کیفی بر کمی تفوق بیشتری دارد، امتناع می‌ورزد. پس شاید بتوان گفت مهم‌ترین بخش واقعیت از دید علم جدید پنهان می‌ماند و تقریباً به هیچ تبدیل می‌شود. این وضع مخصوصاً هنگامی چنین است که به مطالعه امور انسانی دست می‌زنند؛ زیرا این امور از نظر کیفیت، نسبت به امور دیگری که علم جدید قصد دارد آنها را به قلمرو خود در آورد، در بالاترین مرتبه قرار دارد. با وجود این، این علم می‌کوشد امور انسانی را درست مانند امور دیگر مورد مطالعه قرار دهد... از این رو صفت فریبنده «آماری» که متجددان این همه برای آن اهمیت قائلند، در قلمرو امور انسانی اعم از تاریخ، جامعه‌شناسی و روانشناسی یا هر نوع مطالعه دیگر، به کامل‌ترین وجه ظاهر می‌شود. در این نوع مطالعات همچون زمینه‌های دیگر، آمار، در اصل، عبارت از شمارش عده کم و بیش زیادی از اموری است که کاملاً همانند فرض می‌شوند و گرنه جمع آنها هیچ معنی نخواهد داشت. بدیهی است هرچه امور مورد بحث، کمتر همانند و قابل مقایسه باشند، یعنی اهمیت عناصر کیفی موجود در آنها بیشتر باشد، تصویری که طبق محاسبات آماری از واقعیت به دست می‌آید، از صورت حقیقی آن دورتر است (همان: ۸۰-۸۴).

بنابراین نخست آنکه کمیت‌نگری به معنای حاکمیت و سلطه نگرش کمی بر امور و احوال انسانی قابل قبول نیست و مستلزم فروکاهش و نادیده گرفتن بسیاری از ابعاد روانشناختی است. دوم اینکه باید توجه داشت آنچه محکوم و غیر قابل پذیرش است محوریت کمیت است و اینکه ارزیابی ما از امور روانشناختی منحصر به کمیت باشد و الا استفاده از ابزارهای کمی و روش‌های کمی مورد قبول بلکه اجتناب‌ناپذیر است. از آموزه‌های دینی نیز به سهولت می‌توان دریافت کرد که جهان طبیعت بر اساس اندازه و محاسبه خاصی بنا شده، هر چیزی و امری بر اساس حساب و کتاب ویژه‌ای در عالم وجود دارد، امور طبیعی مانند خورشید و ماه و شب و روز و... و حرکت و گردش

در عالم ما، به دلیل اوضاع و احوال خاص زندگانی که این عالم تابع آن است، پایین‌ترین نقطه، جنبه کمیت به خود می‌گیرد و از هرگونه امتیاز کیفی عاری است. (همان: ۳-۵). نکته دیگر این است که پدیدارهای جسمانی، تنها پدیدارهایی هستند که هم در مکان و هم در زمان مستقرند و پدیدارهای روانی یعنی آنها که موضوع مطالعه روانشناسی به معنی متداول کلمه‌اند هیچ جنبه مکانی ندارند بلکه به عکس، در زمان روی می‌دهند... و چون از پدیدارهای روانی بحث می‌کنیم، این نکته را نیز می‌افزاییم که وقتی این پدیدارها جزء آنچه نماینده ذات در فرد است، باشند، جهت وجودی عناصر کمی در آنها و به طریق اولی تبدیل آنها به کمیت، کار کاملاً بی‌پوده‌ای است. آنچه «روانشناسان فیزیولوژیک» از لحاظ کمی تعیین می‌کنند، در واقع، چنانکه تصور می‌کنند، پدیدارهای روانی نیست، بلکه فقط پاره‌ای از پدیدارهای جسمانی مقارن با آنهاست. در اینجا نه چیزی که به نحوی با طبیعت خاص پدیدار روانی مربوط باشد در میان است و نه در نتیجه، چیزی که بتواند این پدیدار را به کمترین وجه تبیین کند. در حقیقت، تصور باطل روانشناسی کمی، نمودار بارزترین درجه از انحراف علم‌پرستانه جدید است (همان: ۴۳ و ۴۴).

وجه تمایز این دیدگاه (کمیت‌گرایی) در وهله اول، ادعای تأویل همه چیز به کمیت و نادیده و نابوده انگاشتن هر چیزی است که در برابر مبدل شدن به کمیت مقاومت می‌کند. کار به جایی رسیده است که فکر می‌کنند و اظهار می‌دارند هر چیزی که به صورت «رقم» (آمار) در نیاید، یعنی با تعابیر صرفاً کمی بیان نشود، از هرگونه ارزش «علمی» عاری است. این ادعا نه تنها به فیزیک بلکه به تمامی علوم می‌که رسماً در عصر ما پذیرفته شده است، اطلاق و حتی به قلمرو روانشناسی نیز تعمیم داده می‌شود... علم جدید چون مایل است کاملاً کمی باشد، از توجه به تفاوت‌های موجود میان وقایع جزئی و خاص و حتی مواردی که در آنها این گونه تفاوت‌ها کاملاً بارز است



فراهم ساخت. روش‌های ترستون برای اندازه‌گیری نگرش‌ها در روانشناسی اجتماعی و روش‌های آشناتر امروزی لیکرت از جمله پیشرفت‌های روش‌شناختی بودند که روش روانشناسی اجتماعی تجربی را میسر ساختند. با این وجود، پیامد پیشرفت‌های مذکور این بود که سایر موضوع‌هایی که کمتر کمیت‌پذیر بودند کاهش یافتند. در نتیجه در تاریخ روانشناسی با نقدهای تمرکز دانش روانشناختی، نقطه‌عطفی به وجود می‌آید (برای نمونه: هپبورن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳ به نقل از هویت و کرامر، ۱۳۸۹: ۴۷۳ و ۴۷۴).

لازم به ذکر است کمیت‌گرایی در برخی از مکاتب روانشناسی مانند رفتارگرایی ریشه در عینیت‌گرایی، ماشین‌گرایی و ماده‌گرایی دارد. (ر.ک. شکرکن و همکاران، ۱۳۷۲، ج ۲، فصل ۴).

۴. **اعتبارسنجی روش‌های کمی:** همانطور که پیش از این اشاره شد، از جهت فلسفی، روش‌های کمی به طور اجمالی مورد قبول است و با توجه به مباحث استقرای و روش‌های تجربی که اشاره کردیم، اطمینان نسبی (نه یقین) به نتایج روش‌های کمی می‌توان داشت. البته میزان این اطمینان یکسان نیست. روش‌های آزمایشی نسبت به روش‌های پیمایشی اعتبار بیشتری دارند؛ زیرا امکان کنترل

آنها نیز در چارچوب عددی و کمی قابل محاسبه است، حتی امور اخروی و مجازات و پاداش نیز بر اساس محاسبه و اندازه و مقدار است.<sup>۱</sup> سوم اینکه حداقل بخشی از احوالات روانشناختی قابل سنجش کمی یا قابل تبدیل به کمیت نیست و امور فیزیولوژیک و جسمانی قابل اندازه‌گیری، صرفاً امور مقارن آن است. **چهارم** اینکه آنچه رنه گنون و سنت‌گرایان<sup>۲</sup> بر آن پافشاری می‌کنند، نقد دوران تجدد و ویژگی‌های ظاهرگرایی آن و دوری از سنت، معنویت و ابعاد باطنی است که تا حدی قابل قبول است، اما مبانی فلسفی سنت‌گرایی لازم است به طور مستقل مورد ارزیابی و گفتگو قرار گیرد.

[شاید] رشد روانشناسی در یک نظام علمی و رشته کاربردی تا حدودی به خاطر رشد کمی‌سازی امکان‌پذیر شد. و این امر تا حدودی به نزدیکی روانشناسی با رشته‌های علمی مانند زیست‌شناسی، فیزیولوژی و پزشکی نیز مربوط می‌شود. علم روان‌فیزیک یکی از نخستین پیشرفت‌هایی بود که راه‌هایی را برای کمی‌سازی تجارب ادراک ذهنی امکان‌پذیر ساخت. آزمون هوش که در آغاز قرن بیستم در فرانسه توسط آلفرد بینه ساخته شد، وسیله‌ای را برای یکپارچه کردن انواع مختلف اندیشه‌های قرن نوزدهم در مورد بسیاری از کیفیت‌های عملکرد ذهنی

احیای دانش و خرد در معنای قدسی است. باور بنیادین و مرکزی در این مکتب اعتقاد به خرد جاویدان می‌باشد که مبنی بر حضور یک حقیقت فراطبیعی مشترک، جاویدان و جهانی در بطن سنت‌های معتبر دینی می‌باشد و علم تجربی مدرن را که رویکردی سکولار به جهان و انسان دارد را نقد می‌کنند. این مکتب بر دین‌شناسی تطبیقی در دوره معاصر بسیار اثرگذار بوده است. در جهان اسلام، این مکتب با پیوند با تصوف جای پای میان مردم یافته. همچنین با آیین‌ها و ادیان شرق دور پیوند دارد. مهم‌ترین متفکران این مکتب در سده بیستم رنه گنون (عبدالواحد یحیی)، آندره کومرسوامی و فریتیهوف شوئون (عیسی نورالدین احمد) بوده‌اند. همچنین، از دیگر متفکران سرشناس این مکتب، تیتوس بورکهارت، مارتین لینگز (ابوبکر سراج‌الدین) و سید حسین نصر هستند (ر.ک. سایت ویکی‌پدیا و کتاب در مسیر سنت‌گرایی، سیدحسین نصر؛ سنت‌گرایی: دین در پرتو فلسفه جاویدان، اولد میدو و حکمت جاویدان: نگاهی به زندگی و آثار سنت‌گرایان معاصر، حسین خندق‌آبادی؛ سنجش سنت، منصور مهدوی).

3. Hepburn, A.

۱. افزون بر تأیید اجمالی فلسفه اسلامی که در بند یک گذشت، از نگاه درون دینی نیز کاربرد واژگان قدر، حساب، میزان، کیل و... در برخی از آموزه‌های دینی اهمیت و جایگاه کمیت در زندگی را نشان می‌دهند که آیات زیر از جمله آنهاست:  
ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدراً (طلاق، ۳)، وکل شیء عنده بمقدار (رعد، ۸)، وکان امر الله قدراً مقدوراً (احزاب، ۳۸)، وان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم (حجر، ۲۱)، انا کل شیء خلقناه بقدر (قمر، ۴۹)، والشمس و القمر حساباناً ذلک تقدیر العزیز العظیم (انعام، ۹۶)، و نقدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب (یونس، ۵) و جعلنا اللیل و النهار آیتین فمحونا آیه اللیل و جعلنا آیه النهار مبصره لتبتغوا فضلاً من ربکم و لتعلموا عدد السنین و الحساب و کل شیء فصلناه تفصیلاً (اسراء، ۱۲) جزء من ربک عطاء حساباً (نبا، ۳۶)، واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان (الرحمن، ۹)، و السماء وضعها و وضع المیزان الا تظفوا فی المیزان (الرحمن، ۷ و ۸)، و نضع الموازین القسط لیوم القیامه (انبیاء، ۴۷)، و افوا الکیل و المیزان بالقسط (انعام، ۱۵۲)، و افوا الکیل اذا کلتم و زنوا بالقسطاس المستقیم (اسراء، ۳۵)، و الوزن یومئذ الحق (اعراف، ۸).

۲. Traditionalists مکتب سنت‌گرایی، رویکردی در فلسفه معاصر است که نسبت به مدرنیته و فلسفه جدید در غرب موضعی به شدت انتقادی دارد و خواهان

شخصیتی محسوب می‌شوند (اما لزوماً هیچ‌یک به تنهایی علت شخصیت در بزرگسالی نیست).... خطر فرض پس تجربه آن است که می‌تواند و اغلب چنین است که به تفسیرهای اشتباه و گمراه‌کننده داده‌های تحقیق بیانجامد و این اثر به ویژه هنگامی که دانشمندان بر زمان و متغیرهای مستقل کنترلی ندارند امری جدی است. هنگامی که می‌کوشند پدیده‌ای را که قبلاً روی داده تبیین کنند، با این واقعیت ناخوشایند روبرو می‌شوند که کنترلی بر علت‌های ممکن آن ندارند. بنابر این، باید یک سیر تحقیقی معینی را دنبال کنند که روش اجرا و تفسیر آن با آنچه که دانشمندان آزمایش می‌کنند متفاوت است (کرلینجر، ۱۳۷۶: ۱۱ و ۱۲).

و مهار متغیرهای مزاحم بیشتر است. بالاترین کنترل در روش آزمایشی آزمایشگاهی است و کمترین آن در زمینه‌یابی‌ها (=پیمایشی‌ها) است. در میان روش‌های آزمایشی نیز، طرح‌های شبه‌آزمایشی و تک‌آزمودنی اعتبار کمتری دارند. می‌توان گفت افزون بر پایه‌های استقرایی روش‌های کمی، اعتبار روش‌های کمی به چند معیار وابسته است: میزان کنترل متغیرهای مزاحم، تعداد آزمودنی‌ها، میزان دستکاری و مداخله در آزمودنی‌ها برای هدف مورد نظر، امکان بیشتر برای دستیابی به علت، امکان نظارت و واریسی مجدد در طول زمان (پیگیری). در طرح‌های پژوهشی گوناگون، هرچه این معیارها تحقق بیشتری داشته‌باشد، میزان اعتبار و اطمینان افزایش می‌یابد. افزون بر اینها، یکی از موارد نادرست در پژوهش‌های کمی، استنباط علی در طرح‌های غیرعلی است:

«یکی از استدلال‌های نادرستی که بیشترین خطر را برای علم دارد، استدلال نادرست پس از این یا استنباط به این سبب نامیده می‌شود و معنای آن این است که چون الف پس از ب این روی داده، پس معلول آن است. اصطلاح مذکور به این شوخی نه چندان جدی شباهت دارد که بگوییم: اگر چتر با خود بردارم، باران نخواهد آمد. حتی ممکن است به طور جدی بگوییم که بزهکاران به دلیل نبودن انضباط در مدارس بزهکار می‌شوند. چون علت‌های احتمالی زیادی را می‌توان در نظر گرفت، لذا گفتن اینکه چیزی علت چیز دیگری است به دلیل اینکه یکی پس از دیگری روی داده است، کار آسانی است (اما همیشه درست نیست).... دانشمندان علوم اجتماعی و تعلیم و تربیت اغلب با مسئله استدلال نادرست پس تجربه مواجه می‌شوند. ... روانشناسی که در جستجوی کشف ریشه‌های شخصیت در دوره بزرگسالی است حتی با مسئله ظریف‌تری روبرو است: صفات ارثی، روش‌های کودک‌پروری، عوامل آموزشی، شخصیت والدین و مقتضیات محیطی، همگی تبیین‌های منطقی برای خصایص

## روش‌های پژوهش کیفی<sup>۱</sup> در روانشناسی

پژوهش‌های کیفی، واکنشی به محدودیت‌های پژوهش کمی در انجام گرفتن بررسی عمیق‌تر است.

روش کیفی، اصطلاح عامی است که روش‌های زیادی را با فلسفه‌های متفاوت در خود جای می‌دهد از جمله قوم‌نگاری، بررسی طبیعی، موردپژوهی، بررسی میدانی، تحلیل تاریخی و روش بالینی. تمامی این موارد، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که آنها را از روش‌های کمی متمایز می‌سازد. روش کمی برای پاسخگویی به مسئله تحقیق، بیشتر از اعداد استفاده می‌کند و پژوهشگر با شمارش‌ها، میانگین‌ها، همبستگی‌ها و آزمون‌های آماری سروکار دارد. اما پژوهش کیفی، ماهیت کیفی دارد و بیشتر از واژه‌ها استفاده می‌کند.

تعداد و انواع رویکردهای پژوهش کیفی طی سال‌های دهه نود و سال‌های آغازین قرن بیست و یکم افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. انواع گوناگون رویکردهای پژوهش کیفی (مانند ۱۹ راهبرد مشخص شده توسط

ولکوت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱) در کتاب‌ها جمع‌آوری شده و در حال حاضر برای رویکردهای خاص پژوهش کیفی، شیوه‌های کاملی موجود است. به عنوان مثال کلندینین و کونلی<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) تصویری از آنچه پژوهشگران روایتی<sup>۴</sup> انجام می‌دهند ارائه کرده‌اند. مستاکاس<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) عقاید فلسفی و شیوه‌های روش پدیدارشناسی<sup>۶</sup> را مورد بحث قرار داده و استراوس و کوربین<sup>۷</sup> (۱۹۹۰ و ۱۹۹۸) شیوه‌های نظریه‌داده‌بنیاد<sup>۸</sup> (نظریه زمینه‌ای) را مشخص کرده‌اند. ولکوت (۱۹۹۹) شیوه‌های قوم‌نگاری<sup>۹</sup> را جمع‌بندی و استیک<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) فرایندهای موجود در مطالعه موردی<sup>۱۱</sup> را پیشنهاد داده‌است. شیوه‌های نظیر پژوهش عملی مشارکتی<sup>۱۲</sup> (کمیس و ویلکینسون<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۸)، تحلیل گفتمان<sup>۱۴</sup> (چیک<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۴) و سایر شیوه‌های ذکر نشده (ر.ک. کرسول، ۲۰۰۷) نیز جزء راه‌های عملی انجام مطالعات کیفی هستند (کرسول، ۱۳۹۴).

9 Ethnography

10 Stake, R.E.

11 Case study research

12 Participatory action research

13 Kemmisse, S. & Wilkinson, M.

14 Discourse analysis

15 Cheek, J.

1. Qualitative research methods

2. Wolcott, H.T.

3. Clandinin, D.J. & Connelly, F.M.

4. Narrative research

5. Moustakas, C.

6. Phenomenological research

7. Strauss, A. & Corbin, J.

8. Grounded theory

## جدول (۴) روش‌های پژوهش کیفی

عنوان	توضیح هر روش	منبع
۱. داده‌بنیاد (نظریه‌زمینه‌ای، گراند تئوری)	استخراج یک نظریه کلی و انتزاعی از یک فرایند، عمل یا عکس‌العمل براساس دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش	کرسول (۲۰۰۹)، هویت و کرامر (۲۰۰۵)
۲. مطالعه موردی (پژوهش موردی)	تشریح یک برنامه، رویداد، فعالیت و فرایند یک یا چند فرد از طریق مطالعه عمیق روی نمونه‌ای از آن پدیده در محیط طبیعی آن.	کرسول (۲۰۰۹)، گال و همکاران (۲۰۰۶)
۳. پدیدارشناسی	شناسایی جوهره تجربه‌های بشری در باره یک پدیده آن‌گونه که شرکت‌کنندگان در پژوهش توصیف کرده‌اند	کرسول (۲۰۰۹) گال و همکاران (۲۰۰۶)
۴. پژوهش روایتی	مطالعه زندگی افراد از طریق بیان داستان‌های زندگی یک یا چند نفر توسط خودشان و سپس بازگویی یا بازسازی آنها به صورت روایت زمانی	کرسول (۲۰۰۹)
۵. قوم‌نگاری	پژوهشی دست اول و عمیق در ویژگی‌های یک فرهنگ معین و الگوهای موجود در آن ویژگی‌ها؛ مطالعه افراد و گروه‌ها در بافت و زمینه فرهنگی و اجتماعی‌شان.	گال و همکاران (۲۰۰۶)، لطف‌آبادی (۱۳۸۸)
۶. اقدام‌پژوهی (تحقیق در عمل)	محقق نه تنها به صورتی فعالانه در موضوع مطالعه خود مشارکت می‌کند، بلکه به عنوان یک هدف اصلی در پی تغییر پدیده مورد مطالعه نیز هست.	لطف‌آبادی (۱۳۸۸)
۷. تحلیل گفتمان	مجموعه‌ای از راه‌های بررسی و درک گفتار یا متن به‌عنوان فعالیت اجتماعی که در فلسفه زبان‌شناسی ریشه دارد. مطالعه زبان و تحلیل ریشه‌های گفتمان‌های انسانی و فهم عملی تحلیل مکالمات با توجه به تعامل تاریخ و فرهنگ و جامعه.	هویت و کرامر (۲۰۰۵) و لطف‌آبادی (۱۳۸۸)
۸. روش تاریخی	اصلاح امور روانی - تربیتی با بررسی گذشته، حال و آینده پژوهی	لطف‌آبادی (۱۳۸۸)
۹. دیدگاه هرمنوتیک	مطالعه فرایندی برای به دست آوردن معنای یک متن (اعم از یک سند مکتوب، آداب اجتماعی، اسطوره‌های فرهنگی و ... که حاوی پیامی قابل خواندن باشد)	گال و همکاران (۲۰۰۶)
۱۰. نشانه‌شناسی	مطالعه نظام‌های علائم از جهت انتقال معنا و پیام که به رفتار آدمی مربوط می‌شود. نظم رویدادها، لباس‌های متفاوت، رمز فضای محیط، نشانه‌های مقام و رتبه، آداب صحبت کردن، نظم حرکت افراد و متون از جمله این نشانه‌شناسی هستند.	گال و همکاران (۲۰۰۶)

روانشناسی بیشتر کاربرد دارد.

برخی از محققان (عیسوی، ۱۳۸۵) انواع دیگری از روش‌های کیفی را به ویژه در روانشناسی ذکر کرده‌اند، که به نظر می‌رسد بر حسب تعریف قابل توجه است:

۱. روش درون‌نگری<sup>۱</sup>: در این شیوه بر آنچه آزمودنی در باره خود بیان می‌کند، تکیه می‌شود و توصیف و تحلیل وی از خود و ودقت و مشاهده درون‌فردی و توصیف احساسات درونی مورد توجه است.

۲. روش فرافکنی<sup>۲</sup>: درک رخدادها، محرک‌های محیطی و رفتار دیگران به ویژه محرک‌های مبهم بر حسب انتظارات، نیازها و امیال خود و تفسیر رفتار دیگران با تکیه بر تجربه‌های شخصی خود.

۳. روش بالینی<sup>۳</sup>: پدیده‌های روانی با تکیه بر تحلیل‌های شخصی، ذهنی و مشاهده‌ای نزدیک آزمودنی (بالین وی) مطالعه و استنباط می‌شود، مانند تحقیقات بالینی فروید و پیازه.

۴. روش شرح حال نگاری<sup>۴</sup>: زندگی‌نامه شخص بر اساس مدارک موجود، رویدادهای به یادماندنی و کارهای شخص بازسازی می‌شود.

۵. پروکتور و کاپالدی<sup>۵</sup> (۲۰۰۶، فصل ۸) در کتاب «فهم روش‌های پژوهش روانشناختی»<sup>۶</sup> نیز روش‌های کیفی مورد استفاده چندی را در روانشناسی را بیان می‌کنند: تحلیل روایتی<sup>۷</sup>، تحلیل گفتمان<sup>۸</sup>، نظریه زمینه‌ای<sup>۹</sup>، روش راهنمای

گال و همکاران نیز در کتاب روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی (۱۳۸۳، ج ۲: ۱۰۳۶) هفده سنت پژوهش کیفی را در سه طبقه تنظیم کرده‌اند. سنت‌های موجود در هر طبقه، از این جهت به هم مربوطند که به مطالعه پدیده‌های مشابه می‌پردازند. برخی بر فهم ماهیت تجربه زیسته تأکید دارند (نوع الف)، برخی بر فهم پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی نظر دارند (نوع ب) و برخی دیگر بر فهم زبان و پدیده‌های ارتباطی توجه دارند (نوع ج).

#### جدول طبقه‌بندی سنت‌های پژوهش کیفی بر حسب پدیده‌های مورد تحقیق

یادآور می‌شود فهرست سنت‌های پژوهش کیفی در جدول بالا جامع نیست. عرصه پژوهش کیفی در معرض رشد سریع و مفهوم‌پردازی مجدد و مستمر قرار دارد. سنت‌های جدید ممکن است با موارد موجود ترکیب شود و می‌تواند با بیش از یک عنوان مشخص گردد. همچنین، فهرست ارائه شده مشتمل بر پژوهش تاریخی نیست، هرچند که این خود، یک سنت قدرتمند پژوهش کیفی است. روش‌های پژوهش تاریخی را می‌توان برای مطالعه بسیاری از پدیده‌های فهرست‌شده در جدول مذکور، همچون گذشته مورد استفاده قرار داد (همان، ۱۰۳۷). البته باید اذعان کنیم سنت‌های پژوهش کیفی، همگی در روانشناسی کاربرد ندارد یا قابل کاربست نیست (بخشی کاربرد دارد)، اما جهت آشنایی با منظومه روش‌های کیفی مناسب است. روش‌های کیفی دسته اول یعنی ناظر به تجربه زیسته در

8. Discourse analysis

9. Grounded theory

1. Introspection

2. Projection

3. Clinical method

4. Case history

5. Proctor.R.W.& Capaldi,E.J.

6. Understanding the methods of psychological research

7. Narrative analysis

معمولاً مطالعه تفصیلی متن، گفتار و گفتگو و نه ویژگی روانی خاص افراد مورد نظر را در بر می‌گیرد. پژوهش کیفی بر تبادل گفتگویی و مشابه آن بین افراد در مصاحبه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌های فرد می‌پردازد. آن واحدهای گسترده‌تر متن را تحلیل می‌کند و اینکه چه چیزی کمترین واحد تحلیل است به جهت‌گیری نظری تحلیل کیفی بستگی دارد. یک مشکل عمده برای افرادی که می‌خواهند اجرای پژوهش کیفی را بدانند این است که به صورت هسته پژوهش و نظریه روانشناختی، به طور کامل استقرار نیافته‌است. یعنی اینکه، شخص ممکن است سال‌ها روانشناسی را مطالعه کند و با پژوهش و نظریه کیفی به ندرت مواجه شود (هویت و کرامر، ۱۳۸۹: ۴۷۱).

البته باید خاطر نشان کنیم این دیدگاه تا حدی پژوهش کیفی را محدود می‌کند و بیشتر ناظر به آن بخش سوم مورد نظر گال و همکاران در سطور پیشین است یعنی روش‌های کیفی ناظر به تحقیق در مورد زبان و ارتباط. اما واقعیت این است که نمی‌توان پژوهش کیفی را در این بخش منحصر کرد و می‌بینیم که اقدام پژوهی، مطالعه موردی و روش تاریخی از جمله مواردی است که در فهرست بالا آمده است و مربوط به متن و گفتگو نمی‌باشد.

دلایل زیر، چرایی و نیاز به پژوهش کیفی را تبیین می‌کند (همان: ۴۷۵-۴۷۹):

۱. مرحله مقدماتی در فرایند پژوهش که به رشد نهایی کمی‌سازی دقیق و بسنده کمک می‌کند.
۲. روش‌های کیفی فهم کامل‌تری از موضوع پژوهش را فراهم می‌کند.
۳. دیدگاه انسانی‌تر به داده‌های کیفی این است که تجربه و تعامل بشر خیلی پیچیده تر از آن است که بشود، آن گونه که معمول پژوهش کمی است، آن را به چند

گوش دادن<sup>۱</sup>، اقدام پژوهی مشارکتی<sup>۲</sup>، پیکرنگاری<sup>۳</sup>، روش‌های قوم‌نگاری<sup>۴</sup>، مصاحبه روان‌تحلیل‌گری<sup>۵</sup>. پژوهش کیفی ریشه در رشته‌های متعدد علمی دارد. این رشته‌ها نه تنها شامل علوم اجتماعی مانند مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی است، بلکه علوم انسانی مانند هنر، ادبیات و فلسفه و حتی تحقیق‌های بین رشته‌ای را نیز در بر می‌گیرد. برخی از پژوهشگران کیفی نیز تحت تأثیر رویکرد پساتجدد بوده‌اند که در سالیان اخیر مطرح شده‌است. پساتجددگرایی، انجام پژوهش در چهارچوب و ضوابط از قبل تعیین شده یا متعارف و مرسوم را در تلاش علمی مردود می‌شمارد و آن را منعکس کننده ساختار قدرت مربوط به تشکیلات پژوهش حرفه‌ای (یعنی عمل کردن بر اساس پیشنهاد پژوهشی از قبل تعیین شده مانع خلاقیت فرد است و به مانند عمل کردن در ساختار قدرت - این است و جز این نیست - است) می‌داند (همان).

پژوهش کیفی بر توصیف کیفیت‌ها و ویژگی‌های داده‌ها تأکید دارد. به احتمال از نظر تاریخی، مطالعه موردی رایج‌ترین روش کیفی در روانشناسی بوده است. منظور از مطالعه موردی فردی، معمولاً توصیف ویژگی‌های روانی یک فرد (یا شاید یک سازمان) است. روان‌تحلیلی زیگموند فروید، از تک تک بیماران نمونه‌های اولیه مطالعه موردی است. سایر نمونه‌های کلاسیک از مطالعه موردی می‌توانند از جمله این کتاب باشد: مردی که همسرش را با کلاه اشتهاهی گرفت، نوشته اولیور ساکس (۱۹۸۵). این کتاب گزارش مفصلی است از اینکه مردی که دارای مشکلات عصب‌شناختی بود چگونه با مشکلات حافظه و ادراکی خود کنار می‌آمد. البته چنین مطالعات موردی فردی برای بهره‌گیری و تدوین نظریه روانشناختی با رویکردهای کیفی اخیر در روانشناسی بسیار متفاوت‌اند. پژوهش کیفی مدرن

4. Ethnographic methods  
5. The psychoanalytic interview

1. The listening guide method  
2. Participatory action research  
3. Portraiture

کیفی و کمی آسان نیست، اما از بسیاری جهات دو فرهنگ در روانشناسی وجود دارد و آنها اغلب در پی یافتن پاسخ‌هایی به انواع کاملاً متفاوت پرسش‌ها هستند.

### تبیین و بررسی فلسفی

۱. ماهیت کیفیت: فیلسوفان اسلامی «کیف» را یکی از اقسام مقولات عشر می‌دانند و آن را این‌گونه تعریف می‌کنند: عرضی که ذاتاً قسمت‌پذیر و نسبت‌پذیر نباشد. کیف دارای چهار نوع می‌باشد:

۱. کیفیت‌های محسوسه: مانند دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، چشیدنی‌ها، بویدنی‌ها و لمس‌شدنی‌ها. از جمله اینها رنگ‌ها، نورها، صداها، طعم‌های گوناگون غذاها و سایر خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، بوهای خوش عطرها و گیاهان یا بوهای نامطبوع و سرانجام ملموسات (لمس‌شدنی‌ها) مانند حرارت، سردی، رطوبت، خشکی، لطافت، زبری، نرمی، سختی.

۲. کیفیت‌های مخصوص به کمیات: مانند شکل و زاویه، مستقیم بودن یا انحناء (در خط یا سطح)، زوجیت و فردیت و مانند آن در اعداد.

۳. کیفیت‌های استعدادی یعنی زمینه پذیرش یا عدم پذیرش چیزی را داشته باشد مانند استعداد بیماری (کسی که بدنش آمادگی برای بیماری دارد) و استعداد تندرستی (بالعکس).

۴. کیفیت‌های نفسانی: اموری مختص انسان‌اند که اجسام به آنها متصف نمی‌شوند و اگر استوار نباشد آن را حال می‌نامند و اگر استوار و ثابت باشد، آن را ملکه (صفت یا خلق) می‌گویند مانند اراده، علم، اخلاقیات، شهوت و غضب و عقل قوای اصلی مبدء خلیات انسان است)، لذت، درد و... (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۲۵).

بنابراین به روشنی می‌توان گفت در پژوهش‌های روانشناسی حداقل با سه دسته از کیفیت‌ها سروکار داریم: کیفیت محسوس، کیفیت استعدادی و کیفیت نفسانی. اما کیفیت‌های مخصوص به کم از بحث ما خارج است. در پژوهش‌های کیفی از این جهت که با کیفیت سروکار دارند نه کمیت، به‌ناچار همین کیفیت‌های محسوس، استعدادی

متغیر محدود کاهش داد.

۴. کمی‌سازی به درجه‌ای از فهمیدن موضوع نیاز دارد، یعنی عاقلانه نیست فرد چیزی را که نمی‌تواند با دقت توصیف کند به گونه نارسا به کمیت درآورد.

۵. کمی‌سازی می‌تواند جمع‌آوری داده‌های طبیعی را دشوار یا غیرممکن سازد، زیرا برحسب تعریف داده‌های کمی که پژوهشگر آن‌ها را کاملاً ساختارمند کرده، غیرطبیعی‌اند.

۶. برخی پژوهشگران در کمی‌سازی یا پژوهش کیفی معایبی می‌بینند لذا به‌رویکرد دیگری روی می‌آورند.

۷. پژوهش در حوزه‌های جدید اغلب روش‌های کیفی را تشویق می‌کنند، به این خاطر که فنون اندازه‌گیری لازم ساخته نشده‌اند یا اینکه اطلاعات کمی در مورد موضوع وجود دارد.

برخی نکات دیگر وجود دارد که با عنوان زیر می‌توان به طور مستقل به آنها پرداخت.

چه وقت از روش‌های پژوهش کیفی استفاده می‌شود (همان، ص ۴۹۱):

۱. هنگامی که پژوهشگر می‌خواهد پیچیدگی چیزی را در موقعیت طبیعی مطالعه کند.

۲. زمانی که در مورد پرسش‌های پژوهشی و موضوعات نظری کلیدی، شفافیت لازم وجود ندارد.

۳. هنگامی که در مورد موضوع، به طور کلی هیچ پژوهشی وجود ندارد و یا اندک است.

۴. زمانی که پرسش پژوهش به کاربرت پیچیده زبان مربوط است مانند گفتگویا مطالب متنی گسترده.

۵. هنگامی که پژوهشگر پژوهش کیفی را به طور عمیق خوانده است [و خود انتخاب می‌کند].

۶. جایی که استفاده از مطالب ساختارمند مانند پرسشنامه‌های چند گزینه‌ای می‌تواند افراد را از شرکت در پژوهش مأیوس کند.

بنابر این هرچند کشیدن خط فاصل بین پژوهش

انتقادی جنبه‌هایی از واقعیت نماید که به لحاظ نظری مسئله اجتماعی به شمار می‌آید؛

۵. این روش **کیفی** است یعنی لازم است از روش‌های سنتی کمی پرهیز شود و به استفاده از روش‌های شناخته شده مناسب جهت تحقیق اقدام کند.

رویکرد کیفی تحقیق ریشه در پارادایم‌های تفسیری و انتقادی دارد (نیومن، ۱۹۹۷ به نقل از ایمان، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

رویکرد کیفی تحقیق به رغم برخورداری از مبانی پارادایمی و جلب حمایت معرفت‌شناختی از پارادایم‌های تفسیری و انتقادی، از سوی جریان‌های فکری کنش متقابل نمادی<sup>۱</sup> و پدیدارشناسی<sup>۲</sup> نیز پشتیبانی نظری و منطقی شدند. براساس این دیدگاه‌ها، آگاهی از ناکارآمدی‌های سنت رویکرد کمی تحقیق افزایش یافت و بنیان منطقی رویکرد کیفی تحقیق تقویت شد. روش‌های متعدد و چندگانه رویکرد تحقیق از خصیصه ابزاری و خشک [کمی] برخوردار نبوده و متناسب با نوع و ماهیت مسئله تحقیق در خدمت تعاملات انسانی برای کشف معنا و فهم دنیای اجتماعی [یا فردی] است. در رویکرد کیفی، روش تمامی مسئولیت شناخت واقعیت را به دوش می‌کشد. زمانی که محقق به دنبال درک معنایی است که افراد از طریق آنها حقایق اجتماعی را می‌سازند، باید از پدیدارشناسی استفاده کند. شناسایی طریق که جهان اجتماعی از طریق سنن، رسوم و اعمال اجتماعی ساخته می‌شود، نیازمند بکارگیری قوم‌نگاری است. برای فهم اینکه واقعیت اجتماعی چگونه با استفاده از سخن گفتن و توانایی زبانی ساخته می‌شود، نیازمند تحلیل گفتمان است. ... بنابر این بر حسب مسئله تحقیق نوع روش‌شناسی مورد استفاده در تحقیق کیفی متفاوت خواهد بود (همان). البته لازم به ذکر است روش‌های پژوهش کیفی، هرچند به طور عمده در علوم اجتماعی به وجود آمده و رشد کرده است،

و نفسانی را باید مورد توجه قرار داد. پس در باب ماهیت کیفیت، می‌توان گفت: در پژوهش‌های کیفی با مقوله **عَرَضی** کیفیت در انواع سه‌گانه آن سروکار داریم. البته یک نکته قابل ذکر است که طبقه‌بندی مذکور براساس دیدگاه حکمای پیشین است، اما بر مبنای تحقیقات جدید در فیزیک (در مبحث امواج، نور و صوت و...)، فیزیولوژی (حواس و ...) و روانشناسی اخلاق (احوال و خلیقات واراده ولذت و...) ممکن است نحوه تقسیم‌بندی تا حدی متفاوت شود.

۲. **مبانی فلسفی:** ویژگی‌های اصالت دیدگاه مورد مطالعه، توصیف دقیق و غنی جزئیات، زمینه‌گرایی (متن‌گرایی)، فرایندمداری، انعطاف‌پذیری و نظریه‌سازی (به جای آزمون نظریه) نیز روش‌های پژوهش کیفی را از کمی متمایز می‌کند.

... تحقیق کیفی بر بنیان‌های معینی استوار است که آن را به صورت مبانی از تحقیق کمی متمایز می‌سازد. این بنیان‌ها از سوی اندیشمندان مختلف از جمله سارانتاکوس (۱۹۹۳ به نقل از ایمان، ۱۳۸۸: ۱۶۴-۱۷۵) در موارد ذیل خلاصه شده‌اند:

۱. این روش **تفسیری** است یعنی روابط اجتماعی نتیجه فرایند کنش متقابل متکی بر تفسیر است و نظریه‌سازی نیز فرایندی تفسیری است؛
۲. این روش **طبیعت‌گرایانه** است، یعنی واقعیت به عنوان یک زمینه طبیعی تلقی می‌شود و از روش‌های طبیعت‌گرایانه همچون کار در میدان استفاده می‌کنند و در خدمت توصیف مردم و وقایع در شرایط طبیعی قرار می‌گیرند؛
۳. این روش **ارتباطی** است یعنی در بستر فرایند ارتباط فهمیده می‌شود و اجرا می‌گردد؛
۴. این روش انعکاسی است یعنی باید اقدام به انعکاس



شد دیوار غیر قابل نفوذ میان علوم انسانی و طبیعی پذیرفتنی نیست و لذا روش‌های کمی هم تا حدی قابل استفاده در علوم انسانی است. ۲. پارادایم تفسیری تکیه بر معنی و تجارب شخصی است، این امر ما را با مخاطره نسبی‌گرایی معرفت و اتکای آن بر تجربه‌های شخصی مواجه می‌کند و ویژگی بین‌الذهانی بودن دانش را نادیده می‌گیرد. ۳. در خصوص روش نیز نمی‌توان به شیوه‌های محدود مصاحبه و مشاهده مشارکتی بسنده کرد، به ویژه آنکه بخواهیم برخی قوانین علمی را تعمیم بدهیم، نیازمند بررسی در گروه‌های نمونه گسترده‌تر است و بناچار باید از روش‌های کمی هم بهره ببریم.

برخی از مهم‌ترین مبانی فلسفی پارادایم انتقادی که خاستگاه روش‌های پژوهش کیفی مرتبط با جامعه و فرهنگ از قبیل مطالعات فرهنگی، پژوهش ضمن عمل رهایی‌بخش، تعامل نمادین و... است، عبارتند از (همان):

۱. دنیای اجتماعی و طبیعی متفاوت است ولی این امکان وجود دارد که اصول اساسی در مطالعات آنها مشابه باشد.
۲. آگاهی انسان زمانی پرمعنا و مهم است که مردم به صورت جمعی عمل کنند نه فردی، آن‌هم در راستای تغییر دنیای اجتماعی.
۳. رفتار فردی به وسیله روابط ساختی در جامعه تعیین می‌شود و صرفاً کنش اجتماعی جمعی می‌تواند این روابط ساختی را تغییر دهد.
۴. شواهد تجربی مناسب و مطلوب هستند، ولی نه به خودی خود. معرفت علمی از طریق فهم روابط غیرتجربی که بنیان جهان اجتماعی قابل مشاهده را ساخته‌اند، امکان‌پذیر است.
۵. دنیای اجتماعی باید در کلیت آن درک و فهمیده شود، مطالعه اجزا و قسمت‌های دنیای اجتماعی هرچند امکان‌پذیر است ولی سودمند نیست؛ چون جهان‌های اجتماعی مرتبط و تحت

اما با توجه به شواهد پیش گفته در روانشناسی نیز بخشی از این روش‌ها کاربرد داشته و رو به تزاید است. در مورد مبانی فلسفی روش پژوهش کیفی، با توجه به اینکه این رویکرد ریشه در پارادایم تفسیری و انتقادی دارد، باید به مبانی فلسفی این دو پارادایم توجه کنیم: برخی از مهم‌ترین مبانی پارادایم تفسیرگرایی عبارت است از (همان: ۵۱-۵۵):

۱. دنیای اجتماعی با دنیای طبیعی متفاوت است.
  ۲. آگاهی انسان به شدت پرمعناست، مردم آگاهانه برای خلق حیات اجتماعی و کنش‌های آن وارد می‌شوند.
  ۳. دنیای اجتماعی را می‌توان به لحاظ ذهنی تجربه کرد، نه به لحاظ عینی و مستقل از رفتار مردم.
  ۴. رفتار انسان محصول طریقی است که در آن، مردم دنیای اجتماعی را تفسیر می‌کنند.
  ۵. معرفت و شناخت از دنیای اجتماعی بر اساس توانایی ما در تجربه جهان به نحوی است که دیگران نیز آن را تجربه می‌کنند، واقعیت از طریق تجربه و تفسیر تجربه از جهان به وسیله مردم خلق می‌شود.
  ۶. تأکید بر جمع‌آوری اطلاعات غیر تجربی است، تلاش در جهت کسب تجربیات، معانی و تفاسیر است.
  ۷. روش‌های اصلی جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه غیر ساخت‌مند شده و مشاهده مشارکتی است.
- روش‌های کیفی مرتبط با زبان و ارتباط مانند هرمنوتیک، تحلیل گفتمان و... یا مرتبط با تجربه زیسته مانند مطالعه موردی، پدیدارشناسی و... کاملاً مبتنی بر پارادایم تفسیری است و مبانی فلسفی فوق در این‌ها هم می‌آید. از وجوه امتیاز پارادایم تفسیری که قابل دفاع است: توجه به تفاوت میان علوم انسانی و علوم طبیعی، توجه به معنا و معناداری پدیده‌ها، توجه به تجربه‌های ذهنی و تأکید بر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات غیرتجربی است. اما چند ملاحظه جدی وجود دارد: ۱. همانطور که قبلاً بحث

تأثیر یکدیگرند.

۶. روش جمع‌آوری اطلاعات معتبر مشاهده، مصاحبه متمرکز (عمیق) و توسعه مدل‌های مفهومی نظری از ساخت‌های پنهان و فرایندها در جامعه.

وجوه امتیاز پارادایم انتقادی و روش‌های پژوهشی مبتنی بر آن در این است که به ابعاد اجتماعی توجه ویژه دارد و تغییر را به عنوان یک هدف پژوهش علمی مورد نظر دارد، تأکید بر مدل‌های مفهومی و نظری نیز می‌تواند از امتیازات آن باشد. اما چند ملاحظه جدی وجود دارد: ۱. انحصار بر تبیین اجتماعی همه پدیده‌ها قابل پذیرش نیست، ما در روانشناسی بالینی در سبب‌شناسی اختلالات می‌بینیم که عوامل زیستی فیزیولوژیک و روانشناختی فردی نیز جایگاه ویژه دارد. بنابر این اصالت دادن به جامعه و فرآیندهای آن، جامعیت لازم را ندارد (ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۶۸). ۲. اهمیت کنش جمعی در راستای تغییر جامعه قابل انکار نیست، اما اولاً کنش‌های فردی است که زمینه حرکت اجتماعی را فراهم می‌کند. ثانیاً آگاهی فردی نیز زمینه‌ساز کنش فردی است. ۳. حصر دانش و معرفت به پژوهش معطوف به تغییر اجتماعی نیز قابل پذیرش نیست. در معرفت‌شناسی منابع و روش‌های معرفت احصاء شده و بخش قابل توجه از معرفت‌های ما ناظر به فهم عمیق پدیده‌هاست بدون آنکه درصدد تغییر یا اصلاح آنها باشیم (جهت آشنایی با نقدهای بیشتر بر پارادایم تفسیری و انتقادی ر.ک. بلیکی، ۱۳۹۱، فصل چهارم)

۳. پایایی، روایی و تعمیم‌پذیری: در پژوهش کیفی، مفهوم روایی و پایایی (بررسی ثبات یا همسانی پاسخ‌ها) یا تعمیم‌پذیری بیانگر همان مفاهیم ضمنی موجود در پژوهش کمی نیستند. روایی کیفی<sup>۱</sup> به این معناست که پژوهشگر صحت یافته‌ها را با به کار بستن شیوه‌های خاص

بررسی می‌کند، در حالیکه پایایی کیفی<sup>۲</sup> نشان می‌دهد رویکرد پژوهشگر با رویکرد پژوهشگران دیگر و همچنین در پروژه‌های دیگر یکسان و ثابت است (گیبس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷ به نقل از کرسول، ۱۳۹۱: ۳۲۳). برای بررسی پایایی پژوهش‌های کیفی، ضمن تأکید بر مستندسازی مراحل شیوه‌ها، گیبس (۲۰۰۷، به نقل از همان) چندین شیوه را پیشنهاد می‌کند:

۱. بررسی نوشته‌ها برای اطمینان از عدم اشتباهات آشکار هنگام پیاده‌کردن داده‌ها؛

۲. مقایسه مداوم داده‌ها با رمزها برای اطمینان از عدم تغییر معنای رمزها، طی فرایند رمزگذاری؛

۳. هماهنگی بین رمزگذاران تیم پژوهشی، از طریق جلسات مداوم در زمینه مستند کردن و همکاری با یکدیگر در تحلیل‌ها؛

۴. کنترل رمزهای تدوین‌شده توسط پژوهشگران مختلف از طریق مقایسه با نتایج به دست آمده مستقل.

از طرف دیگر، روایی یکی از نقاط قوت پژوهش کیفی است و بر این نکته مبتنی است که یافته‌های گزارش از زاویه دید پژوهشگر، شرکت‌کنندگان یا خوانندگان صحیح است. برای بیان این ایده اصطلاحات گوناگون قابل اعتماد بودن، معتبر بودن، و قابل قبول بودن در ادبیات پژوهش کیفی وجود دارد. برای بررسی صحت یافته‌ها، یک یا چند راهبرد زیر مناسب است (همان: ۳۲۵):

۱. همسوسازی منابع مختلف داده‌ها از طریق بررسی شواهد حاصل از منابع برای توجیه یکسان بودن مضامین؛

۲. بررسی و تأیید گزارش نهایی یا توصیف‌ها و مضامین خاص توسط اعضاء (شرکت‌کنندگان)؛

۳. استفاده از توصیف انبوه و غنی برای بیان یافته‌ها در جهت ایجاد عنصر تجربه مشترک؛

۴. مشخص کردن میزان پیش‌داوری پژوهشگر در

3. Gibbs.G.R.

1. Qualitative validity

2. Qualitative reliability

عنوان ملاک‌های اولیه (اصلی) و ثانویه طبقه‌بندی نمودند. آنان چهار ملاک اولیه تحت عنوان: اعتبار<sup>۳</sup> (آیا نتایج، تفسیر دقیقی از معانی ذهنی مشارکت‌کنندگان است؟)، صحت<sup>۴</sup> (آیا نظریه‌های متفاوت مشارکت‌کنندگان شنیده می‌شود؟)، انتقادی<sup>۵</sup> (آیا یک ارزیابی انتقادی از تمامی جنبه‌های تحقیق وجود دارد؟) و راستی<sup>۶</sup> (آیا پژوهشگران خودانتقادگر هستند؟) را به عنوان ملاک‌های اولیه (اصلی) ارائه نمودند. ملاک‌های ثانویه عبارت‌اند از: شفافیت<sup>۷</sup>، روشنی<sup>۸</sup>، خلاقیت<sup>۹</sup>، کامل بودن<sup>۱۰</sup>، تجانس<sup>۱۱</sup> و حساسیت<sup>۱۲</sup>. این ملاک‌ها به نحوی به تفسیری مربوط می‌شود که تحقیق کیفی ارائه می‌دهد.

بنابراین می‌توان گفت: نخست اینکه در پژوهش کیفی از آنجا که درصدد تعمیم نتایج نیستیم، اعتبارسنجی آن سهل‌تر خواهد بود. دوم هدف پژوهش کیفی گزارش دقیق، غنی و واقعی از پدیده‌های مورد نظر است و از این رو هرچه ملاک‌های اولیه مانند اعتبار، صحت، انتقادی و راستی و ملاک‌های ثانویه مانند شفافیت، روشنی و غیره به وفور و کامل‌تر باشد، به این هدف بهتر و بیشتر نائل می‌شویم. سوم می‌توان بر اساس ملاک‌های مورد بحث در اخلاق پژوهش، موارد دیگری را به فهرست بالا افزود (ر.ک. اسلامی، ۱۳۹۱ و شریفی و همکاران، ۱۳۹۶، ج ۵) از جمله: پرهیز از خودفریبی (بسنده کردن به شواهد ناکافی، خلط میان علت و غیر علت)، پرهیز از دستکاری نتایج به

مطالعه کیفی، یعنی اثرپذیری از پیشینه، جنسیت، فرهنگ، تاریخ و منشأ اجتماعی-اقتصادی آنان؛

۵. ارائه اطلاعات منفی یا متفاوت با مضامین پژوهش؛

۶. اختصاص دادن زمان طولانی‌تر و تجربه بیشتر با

شرکت‌کنندگان در موقعیت واقعی پژوهش؛

۷. مذاکره با همکاران غیر پژوهشگر و ارائه تفسیری

فراتر از تفسیر پژوهشگر؛

۸. استفاده از یک ممیز (ارزیاب) بیرونی برای بررسی

کل پروژه؛

تعمیم کیفی نیز اصطلاحی است که در پژوهش کیفی

به صورت محدود مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ زیرا هدف

این نوع پژوهش، تعمیم یافته‌ها به افراد، مکان‌ها یا

محل‌های خارج از آنچه مشاهده شده است، نیست. در

حقیقت، اهمیت پژوهش کیفی در توصیف مضامین خاصی

است که در بافت خاص محل مطالعه شکل گرفته

است. خاص بودن و نه تعمیم‌پذیری صفت بارز پژوهش

کیفی است (گیس، ۲۰۰۷ و گرین و کاراسلی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷ به

نقل از همان: ۳۲۷ و ۳۲۸).

وجود معیارها و ملاک‌های متفاوت در ارزیابی اعتبار

تحقیقات کیفی باعث شده اندیشمندانی اقدام به بررسی و

ترکیب ملاک‌ها و تلخیص آنها جهت استفاده دیگر

اندیشمندان در ارزیابی اعتبار تحقیقات کیفی بنمایند. ویت

مور<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۱ به نقل از ایمان، ۱۳۸۸: ۱۸۲) با

بررسی سیزده گزارش علمی پیرامون اعتبار در تحقیقات

کیفی پرداختند و ملاک‌های کلیدی را استخراج و تحت

10. Thoroughness

11. Congruence

12. Sensitivity

1. Greene, J.C. & Caraselli, V.J.

2. Wittmore, R.

3. Credibility

4. Authenticity

5. Critical

6. Integrity

7. Explicitness

8. Vividness

9. Creativity

بین‌رشته‌ای پژوهش ترکیبی نیز به تشکیل تیم‌های پژوهشی با افرادی دارای علایق و رویکردهای روش‌شناختی متنوع کمک می‌کند. سرانجام شناخت حاصل از تلفیق پژوهش‌های کمی و کیفی از شناخت حاصل از دو روش دیگر به تنهایی بیشتر است و استفاده ترکیبی از این دو روش به درک گسترده‌ای از مسائل پژوهشی منجر می‌گردد (کرسول، ۱۳۹۴: ۳۴۶).

طرح‌های پژوهشی ترکیبی روش‌هایی هستند که در آنها محقق با جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب هر دو نوع اطلاعات کمی و کیفی در یک مطالعه واحد در پی پاسخ به مسئله تحقیق خویش است. اطلاعات کمی ما را به اعداد و ارقام دقیق در مورد متغیرها و عوامل مسئله تحقیق می‌رساند و به خصوص در مواقعی که می‌خواهیم وضعیت تعداد زیادی از افراد را توصیف و تبیین کنیم بسیار مفید است. اما تحقیقات کیفی، می‌تواند تصویری پیچیده‌تر از واقعیت در اختیار ما بگذارد.

شاید بتوان گفت تمایل یا تا اندازه‌ای تعصب نسبت به بحث پیرامون تحقیق کمی و کیفی برای یک فرد ناآشنا تا حدی عجیب به نظر می‌رسد، فردی که برای او راه روشن پیش‌رو احتمالاً تلفیق این دو رویکرد است به نحوی که نقاط قوت مخصوص آنها را بتوان در کنار هم قرار داد. تفسیر فنی از این بحث، به راحتی امکان مطابقت با راه حل مذکور را فراهم می‌آورد؛ زیرا این نوع تفسیر در مقایسه با تفسیر معرفت‌شناختی، ارتباطی بسیار کمتر با دیدگاهی دارد که می‌گوید این دو روش بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های متعارض پیرامون چگونگی رهبری علوم اجتماعی هستند (برایمن، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

جهت تعلق خاطر به فرضیه<sup>۱</sup>، گشودگی<sup>۲</sup> (عالمان باید داده‌ها، نتایج، ابزار، منابع و تکنیک‌های خود را به اشتراک بگذارند)، آزادی<sup>۳</sup> (عالمان باید آزادانه و فارغ از هر نوع سانسوری بتوانند تحقیق خود را انجام دهند)، پرهیز از شتابزدگی، پرهیز از دخالت دادن خواسته‌های شخصی و... **چهارم** پایایی پژوهش کیفی با توجه به شیوه‌های پیش‌گفته به سهولت قابل وصول است اما در مورد روایی، با وجود ملاک‌های گوناگون پیشین، نمی‌توان به یقین قطعی دست یافت، زیرا همواره احتمال خطاهای انسانی و تمایلات عاطفی سوگیرانه وجود دارد ولیکن با وجود ملاک‌های فراوانتر میزان اطمینان (نه یقین) افزایش می‌یابد. شاید بتوان گفت در برخی موارد و موضوعات امکان‌پذیر استفاده از روش مناسب کمی در کنار روش کیفی روایی و نیل به واقع را نزدیک‌تر می‌کند. در اینجا است که می‌توان روش‌های پژوهش ترکیبی را مطرح کرد.

### روش‌های پژوهش ترکیبی<sup>۴</sup> در روانشناسی

همگام با رشد و پذیرش مشروعیت پژوهش‌های کمی و کیفی در علوم اجتماعی و انسانی، روش‌های پژوهش ترکیبی با بکار بستن تلفیقی از رویکردهای کمی و کیفی رواج پیدا کرده‌است. دلیل این توجه، آن است که روش‌شناسی پژوهش به رشد و توسعه ادامه می‌دهد و روش ترکیبی با بهره‌گیری از نقاط قوت هر دو پژوهش کیفی و کمی یک گام به جلو است. همچنین مسائل مورد توجه پژوهشگران علوم اجتماعی و سلامت پیچیده هستند و استفاده از هریک از رویکردهای کمی یا کیفی به تنهایی برای بررسی این پیچیدگی‌ها کفایت نمی‌کند. ماهیت

۱. نمونه معروف چنین اتفاقی را به سیرال بارت روانشناس نامی انگلیسی نسبت می‌دهند. وی در تحقیق در باب بهره‌های IQ دوقلوهایی که با هم بزرگ شده‌اند به این نتیجه رسید که شباهت فراوانی میان آنان وجود دارد و عوامل وراثتی بر هوش مؤثرتر از عوامل محیطی است، اما بعد از مرگ وی روانشناسان متوجه دستکاری یافته‌ها شدند. (بیکر، ۱۳۸۶: ۸۷)

2. Openness

3 Freedom

4. Mixed research methods

اجرای همزمان کمی و کیفی یا تقدم یکی از این دو؛ ۲. وزن دادن: اولویت دادن به نتایج پژوهش کمی یا کیفی یا مساوی؛ ۳. ترکیب کردن: چگونگی ترکیب داده‌های پژوهش کمی و کیفی؛ و ۴. نظریه پردازی: نظریه حاکم بر پژوهش به صورت روشن یا ضمنی و تلویحی، شیوه‌های مطالعه روش‌های ترکیبی را در شش راهبرد ارائه می‌کند: طرح توضیحی متوالی؛ طرح اکتشافی متوالی؛ طرح تحولی متوالی؛ طرح همسوسازی همزمان؛ طرح لانه‌ای همزمان؛ و طرح تحولی همزمان.

### بررسی و تبیین فلسفی

با توجه به اینکه از جهت منطقی، روش ترکیبی نگاه نسبتاً جامع‌تر و همه‌جانبه به مسئله تحقیق دارد و نقاط قوت هر یک از دو روش کمی و کیفی را در خود جمع کرده است، بدیهی است که نسبت به دو روش پیشین گامی به پیش است و نقدهای وارد بر هر یک از دو روش به طور خاص، بر روش ترکیبی وارد نیست. اما توجه به نکات ذیل استفاده از این روش را در جایگاه شایسته خود قرار می‌دهد:

۱. استفاده از روش ترکیبی، به نسبت دشوارتر و وقت‌گیرتر از دو روش قبلی است، افزون بر این، به فهم دقیق و درست هر دو رویکرد کمی و کیفی در پژوهش نیاز دارد. بنابراین بکارگیری درست این روش مستلزم آگاهی کامل از روش‌های کمی و کیفی است و بدون اشراف لازم نمی‌توان وارد روش ترکیبی شد.

۲. ماهیت فلسفی روش ترکیبی چیست؟ آیا مغایر با هر دو روش پیشین است؟

در شکل‌گیری روش ترکیبی پژوهش، در مورد

اکنون در بسیاری از مجله‌ها، بر روش‌های پژوهش ترکیبی تأکید می‌شود و در بسیاری از نشریه‌های علمی مورد حمایت قرار می‌گیرد (به عنوان نمونه مجله بین‌المللی روش‌شناسی پژوهش اجتماعی، مجله پژوهش کیفی در زمینه سلامت، سالنامه طب خانواده). در چندین مطالعه پژوهشی منتشر شده، از روش‌های ترکیبی در علوم اجتماعی و انسانی در زمینه‌های مختلف مانند کاردرمانی (لیزاک و کرفتینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴)، ارتباط بین فردی (بنیوا، کروات و فروهلیچ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱)، پیشگیری از ایدز (جانز<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۶)، پرستاری از بیماران روانی (ویتزمن و لوکف<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰) بهداشت روانی (رجرز، دی، راندال و بنتال<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳) و علوم دوره راهنمایی (هوتز<sup>۶</sup>، ۱۹۹۵) استفاده شده است. همه ساله کتاب‌های زیادی وارد بازار می‌شوند که ویژه روش‌های پژوهش ترکیبی هستند (بریمان<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶، کرسول و پلانوکلاک<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷، گرین<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷، پلانوکلاک و کرسول، ۲۰۰۸، تشکری و تدلی<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۳ به نقل از منبع پیشین).

از دیدگاه ژیک (۱۹۷۹) همان‌گونه که دریانوردان برای تعیین موقعیت یک شیء در دریا از جهات گوناگون آن را رصد می‌کنند، ما نیز باید با همین روش محاصره همه‌جانبه مسئله تحقیق را ملاحظه کنیم و با جمع‌آوری انواع گوناگون اطلاعات در مورد پدیده واحد آن را به درستی شناسایی کنیم. از این طریق می‌توانیم با بهره‌گیری از جنبه‌های قوت نوع معینی از اطلاعات با جنبه‌های قوت انواع دیگر اطلاعات، نقاط ضعف هر نوع معین از داده‌ها را بررسی و تکمیل کنیم (به نقل از لطف‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۷۱).

کرسول (۱۳۹۱) بر اساس چهار عامل: ۱. زمان‌بندی

6. Houtz

7. Bryman, A.

8. Plano Clark, V.L.

9. Greene, J.C.

10. Tashakkori, A. & Teddlie, C.

1. Lysack, C.L. & Krefiting, L.

2. Boneva, B., Kraut, R. & Frohlich, D.

3. Janz, N.K.

4. Weitzman, P.F. & Levkoff, S.E.

5. Rogers, A., Day, J., Randall, F. & Bentall, R.P.

۴. در روش ترکیبی به دلیل نگاه چند جانبه، میزان خطا کاهش می‌یابد، اما این نکته به این معنا نیست که کاملاً مصون از خطا هستیم و خطا به صفر می‌رسد. بلکه امکان وجود خطا در هر یک از مراحل کمی و کیفی منتفی نیست و آسیب‌پذیری در هر یک از این دو همچنان وجود دارد. البته بخشی از این خطا ممکن است به جهت روش‌های همزمان یا متوالی کمی / کیفی ناظر به مسئله واحد کاهش یابد اما کاملاً منتفی نیست.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. مراحل اصلی روش تحقیق به صورت علمی عبارت است از: بیان مسئله، پیشینه پژوهی، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و تفسیر و ارزیابی اطلاعات.

۲. بر اساس منابع روش تحقیق در روانشناسی، روش‌های تحقیق در سه طبقه بزرگ قرار دارند: روش‌های پژوهش کمی، روش‌های پژوهش کیفی و روش‌های پژوهش ترکیبی.

۳. روش‌های پژوهش کمی در روانشناسی، روش‌هایی است که با اعداد، ارقام و آمار سر و کار دارد و به دو دسته بزرگ آزمایشی و غیرآزمایشی تقسیم می‌شود که غیرآزمایشی نیز با عناوین پیمایشی، زمینه‌یابی و میدانی نیز در منابع آمده است و دارای اقسام توصیفی، علی-مقایسه‌ای و همبستگی است.

۴. تبیین فلسفی روش‌های پژوهش کمی مستلزم توجه به نکات زیر است: ماهیت کمی یکی از اغراض نه‌گانه فلسفی است که عدد، شکل و زمان از اقسام آن است. پیش فرض‌های فلسفی رویکرد کمی ریشه در پارادایم اثبات‌گرایی دارد و برخی از این پیش‌فرض‌ها عبارتند از: اشتراک روش‌شناختی علوم طبیعی و علوم انسانی، توقف معرفت علمی معتبر بر حواس ظاهری، تکیه بر استقراء، استقلال حقایق تجربی از ارزش‌ها، هدف‌گذاری تبیین علی. در حالیکه این پیش‌فرض‌ها بر اساس فلسفه اسلامی

بنیادهای نظری متفاوت دو روش کمی و کیفی تحقیق و ناسازگاری آنها با یکدیگر بحث‌های زیادی شده است. باورمندان هر یک از این دو روش در سال‌های آخر دهه ۱۹۸۰ و در سال‌های ۱۹۹۰، در کنفرانس‌هایی چون «نشست سالانه انجمن ارزشیابی امریکا» بیشتر به این بحث دامن زده و از ضرورت همخوانی دو روش با بنیادهای فلسفی آنها سخن گفته‌اند. اما این بحث‌ها به تدریج فرونشست؛ چون مسائلی از این قبیل مطرح شد که صحبت از ضرورت همخوانی بنیادهای نظری دو روش کمی و کیفی پژوهش، مغالطه دوگانه‌بینی است. واقعیت عینی و واقعیت ذهنی آن قدر از هم دور نیستند که بخواهیم آن دو را دو مقوله مقابل بدانیم (لطف‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۷۲).

بر اساس آنچه در بخش‌های قبل سخن گفتیم، روش‌های پژوهش کمی و کیفی از دو پارادایم متفاوت فکری تبعیت می‌کنند، حال چگونه با این سخن اخیر سازگار است؟ در جمع‌بندی می‌توان گفت: واقعیت عینی خارجی (یا ذهنی)، امر واحدی است و در روش ترکیبی ما درصدد نزدیک شدن به آن از طرق گوناگون هستیم. پس می‌توان گفت هر یک از این دو روش، هرچند به صورت مستقل و جداگانه محدودیت‌های خود را دارند و از پارادایم نظری خود پیروی می‌کنند، اما هنگامی که این دو روش ناظر به امر واحد و با نورافکن‌های متفاوت عمل می‌کنند می‌توان با اطمینان قابل قبول بیان کرد که تا حدی نقاط ضعف یکدیگر را جبران می‌کنند و بخش بیشتری از واقعیت را آشکار می‌سازند.

۳. لازم است توجه داشته باشیم روش کیفی، با وجود امتیازهایی که دارد، به دلیل وقت‌گیری و هزینه‌بری بیشتر آن و محدودیت‌های برخی مسائل، در همه مسائل قابل استفاده نیست. امکان و چگونگی چهار عنصر: زمان‌بندی، وزن دادن، ترکیب کردن و نظریه‌پردازی در مسائل، امکان‌پذیری روش ترکیبی و سپس انتخاب راهبرد خاص روش ترکیبی را مشخص می‌سازد.

مورد مناقشه و نقد هستند.

۵. افزون بر اینها کمیّت‌نگری به معنای سلطه نگرش کمی بر همه امور و احوال انسانی و انحصار معرفت بر روش کمی قابل قبول نیست، البته استفاده از ابزارهای کمی و روش‌های کمی، مورد قبول بلکه اجتناب‌ناپذیر است. از جهت اعتبارسنجی، روش‌های کمی مبتنی بر استقراء و تجربه است و مسئله استقراء در اینجا می‌آید. البته با توجه به میزان کنترل متغیرها، روش‌های آزمایشی، اعتبار بالاتر و پیمایشی اعتبار کمتری دارند.

۶. روش‌های پژوهش کیفی با ارقام و آمار سرو کار ندارد بلکه بیشتر با واژه‌ها سروکار دارند و آنها را در سه دسته: تحقیق در مورد تجربه زیسته؛ تحقیق در مورد جامعه و فرهنگ؛ و تحقیق در مورد زبان و ارتباط قرار می‌دهند. برخی از انواع روش‌های پژوهش کیفی عبارتند از: داده‌بنیاد (گراندد تئوری)، مطالعه موردی، پدیدارشناسی، پژوهش روایتی، قوم‌نگاری، اقدام‌پژوهی، تحلیل گفتمان، روش تاریخی، هرمنوتیک و پدیدارشناسی.

۷. ماهیت کیفیت نیز یکی از اعراض در «مقولات عشر» است و دارای چهار قسم کیفیت‌های محسوس، کیفیت‌های مخصوص به کمیّات، کیفیت‌های استعدادی و کیفیت‌های نفسانی است. البته در پژوهش‌های کیفی ما با سه دسته کیفیت‌های محسوس، استعدادی و نفسانی سروکار داریم. ویژگی‌های اصالت دیدگاه مورد مطالعه، توصیف دقیق جزئیات، زمینه‌گرایی، فرآیندمداری، انعطاف‌پذیری و نظریه‌سازی، روش‌های پژوهش کیفی را از کمی متمایز می‌کند. بنیان‌های فلسفی پژوهش کیفی در تفسیری‌بودن، طبیعت‌گرایانه (بررسی پدیده در شرایط طبیعی)، ارتباطی بودن، انعکاسی و کیفی بودن است. نقدهای وارد بر پارادایم‌های تفسیری و انتقادی تا حدی در اینجا نیز قابل

توجه است.

۸. روش‌های پژوهش ترکیبی با جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب هر دو نوع اطلاعات کمی و کیفی در یک مطالعه واحد در پی پاسخ به مسئله خویش است. استفاده از نقاط قوت دو روش، ماهیت بین‌رشته‌ای پژوهش ترکیبی، تناسب پیچیدگی و گستردگی مسائل انسانی-اجتماعی با این روش و شناخت بالاتری که از تلفیق دو روش به دست می‌آید موجب استفاده از روش پژوهش ترکیبی شده است. در این روش بر اساس چهار عامل: زمان‌بندی، وزن‌دادن، چگونگی ترکیب و نظریه‌پردازی، راهبردهای پژوهش ترکیبی تغییر می‌کند.

۹. از جهت فلسفی، روش ترکیبی آگاهی و اشراف کامل به روش‌های کمی و کیفی را می‌طلبد و ماهیت آن هرچند ناظر به دو پارادایم متفاوت است، اما معطوف بودن به مسئله واحد، مکمل بودن این دو روش را در ترکیبی باعث می‌شود. در عین حال در همه مسائل نمی‌توان از روش ترکیبی استفاده کرد و سرانجام باید بدانیم هرچند در روش ترکیبی نسبت به دو روش پیشین، خطا کاهش می‌یابد، اما هیچ‌گاه به صفر نمی‌رسد و همواره باید آسیب‌پذیری‌ها و خطاهای انسانی مد نظر باشد. استفاده از روش ترکیبی در روان‌شناسی بسیار جدید است و پژوهش‌های معدودی را می‌توان اشاره کرد که از این روش بهره برده‌اند. با عنایت به ظرفیت‌های قابل توجه روش‌های ترکیبی، استفاده بیشتر از این رویکرد در روان‌شناسی توصیه می‌شود.

## منابع

- اولدمیدو، کنت (۱۳۸۹) سنت‌گرایی: دین در پرتو فلسفه جاویدان، ترجمه: رضا کورنگ بهشتی، تهران، حکمت.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸) مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی و احمد کلاته‌ساداتی (۱۳۹۲) روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱) فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بست، جان (۱۳۶۷) روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه: حسن پاشاشریفی و نرگس طالقانی، تهران، رشد.
- برایمن، آلن (۱۳۸۹) کمیّت و کیفیت در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هاشم آقا بیگ‌پوری، تهران، جامعه‌شناسان.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۱) پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، ترجمه: سید حمیدرضا حسنی و همکاران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۸) روش‌شناسی فهم روانشناختی قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث.
- پیاژه، ژان (۱۳۷۴) دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی، ترجمه: محمود منصور و پریرخ دادستان، تهران، بعثت.
- جوادی، محسن (۱۳۷۵) مسئله باید و هست: بحثی در باره ارزش و واقع، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- حسین زاده، محمد (۱۳۸۳) درآمدی بر معرفت‌شناسی، قم، موسسه آموزشی امام خمینی.
- خندق‌آبادی، حسین (۱۳۸۰) حکمت جاویدان: نگاهی به زندگی و آثار سنت‌گرایان معاصر، تهران، موسسه توسعه دانش و پژوهش در ایران.
- خورسندی، علی (۱۳۸۷) گفتمان میان رشته‌ای، تهران، پژوهشگاه علوم اجتماعی و فرهنگی.
- دلاور، علی (۱۳۸۷) روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، موسسه نشر ویرایش.
- دیویی، جان (۱۳۶۹) منطق تئوری تحقیق، ترجمه: علی شریعتمداری، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- سرمد، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۸۳) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، آگاه.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۶۱) دانش و ارزش: پژوهشی در رابطه علم و اخلاق، تهران، یاران.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۵) روش تهیه پژوهشنامه در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- شمس، منصور (۱۳۸۷) آشنایی با معرفت‌شناسی، تهران، طرح نو.
- شکرکن، حسین و همکاران (۱۳۷۲) مکتب‌های روانشناسی و نقد آن، ج ۲، تهران، سمت.
- صاحبی، علی (۱۳۸۲) روش تحقیق در روانشناسی بالینی، تهران، سمت.
- صمدی، هادی (۱۳۹۰) ساختار نظریه‌های علمی در علوم طبیعی و علوم اجتماعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۲) نهایة الحکمة، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- علوی پور، محسن (۱۳۸۷) مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، تهران، پژوهشگاه مطالعات علوم فرهنگی و اجتماعی.
- عیسوی، عبدالرحمن (۱۳۸۶) آشنایی با مقدمات روش تحقیق در روان‌شناسی، ترجمه: نجیب‌الله نوری، قم، موسسه امام خمینی.
- فتحی‌زاده، مرتضی (۱۳۸۴) جستارهایی در معرفت‌شناسی معاصر، کتاب طه، آیت عشق.
- فی، برایان (۱۳۸۳) پارادایم‌شناسی علوم انسانی، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۴) طرح پژوهش رویکردهای



در علوم انسانی، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات. نصر، سید حسین و مسعود رضوی (۱۳۹۱) در مسیر سنت گرای، تهران، علم. هومن، حیرعلی (۱۳۸۵) راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران، سمت. هویت، دنیس و دانکن کرامر (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق در روانشناسی و مشاوره، ترجمه: حسن پاشاشریفی و همکاران، تهران، سخن.

Banyard, Ph. & Grayson, A. (1996) **Introducing Psychological Research**, London, macmilan.  
James, W. (2002) **The Varieties of Religious Experience**, London, Routledge.  
Proctor, R. W. & Capaldi E.J. (2006) **Understanding The Methods of Psychological Research**, Blackwell.  
Robins, R. W. & etal (2007) **Handbook of Research Methods in Personality Psychology**, London, Guilford press.

کیفی، کمی و ترکیبی، ترجمه: علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران، جهاد دانشگاهی.  
کرلینجر، ف.آ. (۱۳۷۴) مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه: حسن پاشاشریفی و جعفر نجفی زند، تهران، آوای نور.  
کوهن، تامس (۱۳۶۹) ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه: احمد آرام، تهران، سروش.  
گال، مردیت و همکاران (۱۳۸۴) روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ۲، ج، ترجمه: احمدرضا نصر و همکاران، تهران، سمت و دانشگاه شهید بهشتی.  
گنون، رنه (۱۳۶۱) سیطره کمیّت و علائم آخرالزمان، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.  
گنون، رنه (۱۳۸۸) بحران دنیای متجدد، ترجمه: حسن عزیزی، تهران، حکمت.  
گیلس، دیوید، سی (۱۳۹۱) روش تحقیق پیشرفته در روانشناسی، ترجمه: هادی بهرامی احسان و همکاران، تهران، آوای نور.  
لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۸) روش‌شناسی پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. مارشال، کترین و گرچن راسمن (۱۳۷۷) روش تحقیق کیفی، ترجمه: علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.  
مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸) جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.  
معلمی، حسن (۱۳۷۸) معرفت‌شناسی، قم، کانون اندیشه جوان.  
مهدوی، منصور (۱۳۹۱) سنجش سنت، قم، اشراق حکمت.  
مهرام، بهروز و عفت توانایی شاهرودی (۱۳۸۸) تحلیل محتوای مجله‌های علمی-پژوهشی روانشناختی ایران، موضوع، روش‌های پژوهش؛ در مجله روانشناسی تحولی، ش ۲۲.  
نادری، عزت‌الله و مریم سیف نراقی (۱۳۶۳) روش‌های تحقیق